

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	اصول دین و فروع دین .....
۴	فلسفه تقلید .....
۸	طهارت .....
۱۱	مطهرات .....
۱۵	وضو .....
۲۰	احکام وضوی جبیره ای .....
۲۴	غسل .....
۲۶	غسل های اختصاصی دختران و بانوان .....
۲۹	نیم .....
۳۰	نماز .....
۳۴	پوشاندن بدن در نماز .....
۳۶	احکام مسجد .....
۳۷	آمادگی برای نماز «اذان و اقامه» .....
۴۰	واجبات نماز .....
۵۱	میطلات نماز .....
۵۳	نماز مسافر .....
۵۴	نماز جماعت .....
۵۵	نماز آیات .....
۵۷	نگاه کردن .....
۵۹	بخش دوم : استثنائات مقام معظم رهبری .....
۶۵	بخش سوم : احکام خاص دختران .....

باسمه تعالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (قرآن کریم)

### دانش آموز گرامی :

باسلام؛ سعادت زندگی دنیوی و اخروی انسان در گرو عمل به وظایف و تکالیفی است که خداوند متعال بر عهده او گذاشته است. شکی نیست که بدون آگاهی از چگونگی دستورات و وظایف این خوشبختی و کامیابی تامین نخواهد شد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که بدون آگاهی وظایفش را انجام دهد، مانند کسی است که از بیراهه می رود و هر چه تندتر رود از مقصدش دورتر می شود. عمل نمودن به دستورات و وظایف دین اسلام، انسان را به سوی کمال و ترقی فردی و اجتماعی هدایت می کند پس شایسته است دانش آموزان عزیز از هم اکنون نسبت به یادگیری و عمل به احکام و دستورات دینی به ویژه نماز که بزرگترین عبادت و مهمترین سفارش انبیای الهی و بزرگان دین می باشد اهتمام جدی به عمل آورند تا مورد رحمت خداوند قرار گیرند.

مجموعه حاضر «بخش اول» برگزیده‌ای از مباحث رساله احکام جوانان (دختران) مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله مکارم شیرازی است که به عنوان محتوای مسابقات احکام در اختیار شما قرار داده می شود. به دلیل رعایت در امانت شماره مسأله در کتاب، عیناً در این مجموعه آمده است، ضمناً هر دانش آموز می تواند مسائل مندرج در این مجموعه را با مراجعه به کتاب رساله توضیح المسائل مرجع خود نیز مقایسه نماید که در صورت اختلاف قطعاً باید به نظر مرجع خود عمل نماید؛ امید است با بهره گیری وجدیت و تلاش گام‌های ارزشمندی در مسیر آشنایی با احکام و مسائل دینی برای کسب حیات طیبه انسانی و رسیدن به قرب الهی بردارید.

## بخش اول :

## اصول دین و فروع

آئین اسلام شامل سه بخش است: اصول دین، فروع دین و اخلاق. در واقع تعلیمات دینی همچون درختی است که اصول دین ریشه آن و فروع دین و برنامه های عملی، شاخ و برگها و اخلاق میوه این درخت برومند و پر برکت محسوب می شود.

**الف) اصول دین؛** یعنی اساسی ترین عقاید اسلام که پایه و ریشه مذهب بوده و شامل پنج اصل می باشد:

۱. توحید: اعتقاد به یگانگی خدا، خدایی که خالق جهان هستی است و از همه چیز آگاه است و هست و نیست ما در دست اوست و بر هر کاری تواناست.

ایمان به او موجب احساس مسؤولیت، آرامش خاطر، دوری از گناه، استقامت و پایداری و پیشرفت در زندگی است. پس باید در راه شناخت او کوشا باشیم، زیرا در هر لحظه از زندگی به او نیازمندیم و حامی و پشتیبان ماست.

۲. عدل: اعتقاد به اینکه خداوند نه حق کسی را از بین می برد و نه حق کسی را به دیگری می دهد نه ظلم می کند و نه در میان افراد تبعیض قائل می شود و او به تمام معنا عادل است، چرا که نیاز به هیچ چیز و هیچ کس ندارد.

اعتقاد به عدل و عدالت خداوند باعث دوری ما از ظلم و ستم و تبعیض و گسترش عدل و داد در جامعه انسانی می شود.

۳. نبوت: اعتقاد به اینکه خداوند برای هدایت و ارشاد انسانها راهنمایان و پیامبرانی را برانگیخته و به برخی از آنها کتاب آسمانی داده تا راه مستقیم سعادت را به افراد بشری بیاموزند و آنان را از بدی ها و زشتی ها بازداشته، در راه پرفراز و نشیب زندگی به آنها کمک کنند.

۴. امامت: اعتقاد به جانشینی امامان معصوم (علیهم السلام) بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای رهبری جامعه اسلامی و پاسداری از عقاید و احکام در هر عصر و زمان به نمایندگی از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

امامان دوازده نفرند اول آنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) و آخرشان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است. او زنده است و از نظرها غائب است و روزی فرا می رسد

که ظاهر شده و جهان را پر از عدل و داد می کند و حکومت واحدی در سراسر جهان بر پایه عدالت و صلح و امنیت تشکیل می دهد.

در زمان غیبت او، نیابت به صورت عام برای فقیهان جامع الشرائط است یعنی هر کس دارای علم و دانش کافی برای درک احکام اسلام از منابع دینی توأم با تقوی و عدالت بوده باشد، به عنوان نایب امام زمان (عج) و با شرایطی مرجع تقلید خواهد بود، و عهده دار تبیین و تبلیغ احکام اسلام می گردد.

۵. معاد: ایمان به روز رستاخیز و زنده شدن بعد از مرگ و اینکه مرگ پایان حیات انسانی نیست بلکه مرگ پل و واسطه این دنیا با سرای آخرت است و انسانها پس از مردن بار دیگر زنده شده و در محکمه عدل الهی حضور یافته و هر کس به جزای اعمال خود می رسد.

ایمان به معاد عامل مهم تربیت انسانی است؛ به این ترتیب موج نیرومندی از احساس مسؤولیت در برابر هر کار در اعماق روح انسان ایجاد کرده تا او را در برابر انحراف و گمراهی، ظلم و تجاوز کنترل کند.

**ب) فروع دین؛** شامل دستورات و تکالیف عملی و احکامی است که از سوی خداوند به وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای هدایت بشر به سوی کمال نهایی و سعادت دنیا و آخرت فرستاده شده است. مهم ترین این فروع عبارتند از:

۱. نماز، ۲. روزه، ۳. خمس، ۴. زکات، ۵. حج، ۶. جهاد، ۷. امر به معروف (دعوت به انجام کارهای خوب و نیک)، ۸. نهی از منکر (بازداشتن از انجام کارهای بد و ناپسند)، ۹. تَوَلّی (دوستی با دوستان خدا)، ۱۰. تَبَرّی (دشمنی با دشمنان خدا).

فروع دین بسیار زیاد است و هر شخصی نمی تواند آنها را از منابع آن مثل قرآن و احادیث و سایر ادله فقهی استخراج کند. بنابراین باید آنها را از دانشمندی که سالها در این زمینه به تحقیق و بررسی پرداخته و کوشش و «اجتهاد» فراوان نموده اند و در واقع متخصصان علوم دینی هستند، یاد گرفته و به آن عمل کنند، چنین دانشمندی را در اصطلاح «فقیه» یا «مجتهد» می نامند؛ به پیروی کردن از مجتهد «تقلید» و کسی که از مجتهد تقلید می کند «مقلد» می گویند.

**ج) اخلاق؛** بخش دیگری از تعلیمات اسلام، اخلاق است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیث معروفی فرمود: من مبعوث شده ام تا فضائل اخلاقی را تکمیل کنم؛ منظور آن حضرت از

فضایل اخلاقی، صفاتی مانند: امانت داری، درستکاری، شجاعت، راستگویی، وفاداری، پای بندی به تعهدات، احترام به بزرگترها بخصوص پدر و مادر، رعایت عدالت و مانند آن است. اخلاق فردی و اجتماعی سبب نجات بشر از مشکلات و پیشرفت در همه کارها و صفا و صمیمیت همه گروهها و صلح و امنیت در جامعه بشری است.

علمای اخلاق در کتاب‌های خود در این زمینه سخن بسیار گفته‌اند و شما می‌توانید با مطالعه کتاب‌های «زندگی در پرتو اخلاق»، «اخلاق در نهج البلاغه» و «اخلاق در قرآن» که هر سه از نوشته‌های حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) است، اطلاعات وسیعی درباره اخلاق اسلامی بدست آورید.

#### فلسفه تقلید :

شاید برخی از خود بپرسند که در عصر و زمان ما، که بشر در همه زمینه‌ها ترقی و پیشرفت خیره کننده‌ای داشته، و به ابزار و وسایل فوق العاده مدرن دست یافته، به گونه‌ای که به حق می‌توان این عصر را «عصر تحقیق و کنکاش و علم و دانش» لقب داد، آیا با همه این امور، تقلید در عصر و زمان ما امر مطلوبی است؟

- آیا تقلید به معنای بسته نمودن دروازه‌های تحقیق به روی محققان نیست؟

- آیا «پیروی چشم و گوش بسته» از دیگران، با روح آیات فراوانی از قرآن مجید، که انسان را به تفکر و اندیشه و مطالعه و تحقیق دعوت می‌کند، سازگاری دارد؟

برای روشن شدن پاسخ این سؤال توضیح کوتاهی پیرامون اقسام تقلید لازم است:

تقلید و پیروی از دیگران از چهار صورت خارج نیست:

**الف) تقلید جاهل از عالم؛** یعنی کسی که چیزی را نمی‌داند از متخصص و آگاه آن فن پیروی کند، همچون مراجعه بیمار ناآگاه از مسایل پزشکی، به پزشک آگاه و دلسوز.

**ب) تقلید عالم از عالمی دیگر؛** یعنی مراجعه اهل فن به یکدیگر، و پیروی بعضی از بعضی دیگر.

**ج) تقلید عالم از جاهل؛** بدین معنا که یک انسان آگاه، علم و دانش خود را رها نموده، و چشم و گوش بسته به دنبال جاهلان بیفتد!

**د) تقلید جاهل از جاهل؛** که گروهی نادان، پیرو گروه نادان دیگری شوند.

روشن است که از این چهار قسم، تنها قسم اول منطقی و عاقلانه و مشروع است، و نه تنها در عصر تحقیق و علم و دانش، از آن بی‌نیاز نیستیم، بلکه بخاطر گسترش فراوان علوم، نیاز به آن بیشتر احساس می‌شود. البته، سه قسم دیگر تقلید منطقی و مورد پذیرش اسلام نیست. و تقلید در احکام از قسم اول است. (برگرفته شده از پیام قرآن، ج ۱، ص ۳۴۶)

**مسئله ۱-** هیچ مسلمانی نمی‌تواند در اصول دین تقلید نماید بلکه باید آنها را از روی دلیل هر چند ساده و متناسب با حال خویش بداند و به آن یقین داشته باشد.

**مسئله ۲-** وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است؛ چون افراد کمی هستند که بتوانند در همه احکام، اجتهاد کنند.

#### تکلیف و مکلف

ملاک انجام عبادات و تکالیف شرعی از نظر قرآن و روایات رسیدن به «بلوغ شرعی» و داشتن «عقل» است؛ بنابراین کسی که بالغ و عاقل باشد به حد «تکلیف» رسیده و شایستگی انجام دستورهای الهی و احکام اسلامی را دارد، به چنین کسی «مکلف» می‌گویند.

#### بلوغ و نشانه‌های آن

«بلوغ» به معنای رسیدن به سن خاصی است که انسان در آن سن آمادگی انجام کار مورد نظر را دارد. البته «بلوغ» در همه مسایل یکسان نیست؛ زیرا آمادگی برای هر کاری در سن و سال خاصی حاصل می‌شود. بنابراین، سن بلوغ در مسایل شرعی، با سن بلوغ در مسایل اجتماعی و سیاسی یکسان نیست، همان گونه که بلوغ جنسی با بلوغ اقتصادی (رسیدن به سنی که توانایی انجام امور اقتصادی و مالی را بطور مستقل داشته باشد) تفاوت دارد. نتیجه این که هر چیزی «بلوغ» خاص خود را دارد، و ما نمی‌توانیم برای همه چیز فقط یک سن بلوغ تعیین کنیم.

**مسئله ۳-** یکی از نشانه‌های بلوغ در دختران کامل شدن ۹ سال قمری و وارد شدن در سن ۱۰ سالگی است. هر سال شمسی ۱۱ روز بیشتر از سال قمری است. بنابراین با محاسبه این تفاوت و در نظر گرفتن سال کبیسه، زمان بلوغ در دختران به سال شمسی حدوداً ۸ سال و ۸ ماه و ۲۳ روز می‌باشد.

**مسئله ۴-** دختران با تمام شدن نه سال قمری بالغ می‌شوند، ولی چنانچه قادر بر انجام برخی از تکالیف مثل روزه نباشند، انجام آن برای آنها واجب نیست. و اگر تا ماه رمضان سال بعد قادر بر قضای آن هم نباشند، قضا نیز ندارد، ولی برای هر روز باید فقیری را سیر کنند. و در مورد ازدواج احتیاج به رشد جسمانی دارند. و در مورد تصرف در اموال، رشد کافی اقتصادی نیز لازم است.

**مسئله ۵-** دیدن خون حیض برای دختران، از نشانه های بلوغ شمرده می‌شود.

**مسئله ۶-** رشد جسمانی، مانند افزایش طول قد، بزرگ شدن پستانها، باسن ها و مانند آن، علامت بلوغ (دختران) محسوب نمی‌شود.

**مسئله ۷-** رشد فکری و جسمی دختران سریعتر از رشد پسران صورت می‌گیرد به همین سبب سن بلوغ دختران پایین تر از پسران است.

**مسئله ۸-** دختری که شک دارد که به سن بلوغ رسیده یا نه، واجب نیست تحقیق کند، ولی اگر امکان تحقیق دارد، تحقیق کند.

**مسئله ۹-** آنچه قبل از نه سالگی دیده می‌شود عادت ماهانه محسوب نمی‌شود، هر چند دارای همان صفات بوده باشد، بنابراین نشانه بلوغ نیست.

### مرجع تقلید و شرایط آن

**مسئله ۱۰-** به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند «مرجع تقلید» می‌گویند.

**مسئله ۱۱-** مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند باید: عادل، زنده، مرد، بالغ، شیعه دوازده امامی و در مسایل اختلافی اعلم باشد.

**مسئله ۱۲-** کسی که از مجتهدی تقلید می‌کند، اگر مرجع تقلیدش از دنیا برود در مسایلی که به فتوای او عمل کرده می‌تواند به تقلید او باقی بماند و اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد باقی ماندن بر تقلید او واجب است.

**مسئله ۱۳-** اعلم کسی است که در استخراج احکام (از منابع آن) از مجتهدان دیگر استادتر باشد.

**مسئله ۱۴-** مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت:

الف) خود انسان یقین کند؛ مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.  
ب) گواهی دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند؛ به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.

ج) عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

**مسئله ۱۵-** راههای بدست آوردن فتوای مجتهد:

۱. شنیدن از خود مجتهد.

۲. شنیدن از دو نفر عادل.

۳. شنیدن از یک نفر مورد اعتماد که از گفته او اطمینان پیدا می‌شود.

۴. دیدن در رساله مجتهد که درستی آن مورد اطمینان باشد.

**مسئله ۱۶-** اگر فتوای مجتهد در مسأله ای عوض شود، مقلد باید به فتوای جدید عمل کند و عمل کردن به فتوای قبلی جایز نیست.

**مسئله ۱۷-** مسایلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

### دستورات خداوند

دستورهای عملی اسلام، که وظیفه انسانها را، نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آن دوری جویند مشخص می‌کند، «احکام» نام دارد.

هر کاری که انسان انجام می‌دهد، در اسلام دارای حکم خاصی است، احکامی که تکلیف ما را نسبت به کارها مشخص می‌کند پنج قسم است:

۱. **واجب؛** کاری است که انجام آن لازم می‌باشد و ترک آن عذاب دارد؛ مانند نماز، روزه و ...

۲. **حرام؛** کاری است که ترک آن لازم و انجامش عذاب دارد؛ مانند دروغ، ظلم و ...

۳. **مستحب؛** به کاری گویند که انجامش نیکوست و ثواب دارد؛ ولی ترک آن عذاب ندارد؛ مانند سلام کردن و صدقه دادن.

۴. **مکروه؛** کاری است که ترک آن نیکو می‌باشد و ثواب دارد؛ ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذای داغ.

۵. **مباح؛** به کاری گویند که انجام و ترک آن مساوی است، نه عذابی دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن و نشستن.

**مسئله ۱۸-** در زمان غیبت امام زمان (عج) دستور و تکالیف الهی را از مرجع تقلید یاد گرفته و به آن عمل می‌کنیم. به این دستور و نظر و رأی قطعی مرجع تقلید در احکام شرعی «فتوا» می‌گویند و مقلد باید در آن حکم به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند.

### تفاوت احتیاط مستحب و احتیاط واجب

**مسئله ۱۹-** «احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتواست؛ یعنی مجتهد در آن مسأله، علاوه بر اظهار نظر، راه احتیاط را هم نشان داده است و مقلد می‌تواند در آن مسأله، به فتوا و یا به احتیاط عمل کند و نمی‌تواند به مجتهد دیگری رجوع کند؛ مانند این مسأله: «ظرف نجس را اگر یک مرتبه در آب کُر بشویند پاک می‌شود، هرچند احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند».

«احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی‌باشد و مقلد باید به همان احتیاط عمل کند و می‌تواند به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند، مانند این مسأله: «احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد، سجده نکنند».

### طهارت

اسلام دین پاک و پاکیزه‌ای است، و پاکیزگی را دوست دارد، و به آن سفارش نموده، و براساس آن احکام و قوانینش را تنظیم می‌کند. نظافت و پاکیزگی در این دین مقدس، آن قدر ارزشمند و مهم است که در برخی روایات، به عنوان بخشی از ایمان از آن یاد شده است (بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۹۱)؛ یعنی مسلمانی که طهارت و نجاست و نظافت را رعایت نمی‌کند ایمانش کامل نیست.

این دین پاک و مبرا از هرگونه تحریف و پیرایه، هم دستوراتی در زمینه نظافت فردی دارد، و هم سفارش به نظافت اجتماعی می‌کند. عمل کردن به این دستورات، مخصوصاً در عصر و زمان ما، لازم و ضروری است.

طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی، در اسلام دارای اهمّیت بسیاری است. انسان باید از خوردن و آشامیدن چیزهای نجس دوری کرده و بدن و لباسش برای «نماز» که بهترین شیوه

پرستش پروردگار عالم است، پاک باشد و بهتر است تمیزترین لباس را بپوشد. بنابراین شناختن چیزهای نجس و آموختن شیوه پاک کردن آنها نیز لازم است. احکامی که در این فصل مطرح می‌شود، بخشی از مسائلی است که این دین پاک آسمانی، در این زمینه مطرح کرده است. امید است که بدان توجّه، و سپس عمل کنیم.

**مسئله ۲۰-** در عالم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها نجس شود.

**مسئله ۲۱-** چیزهای نجس عبارت است از: ۱. ادرار؛ ۲. مدفوع؛ ۳. منی؛ ۴. مُردار (حیوانی که بطور طبیعی بمیرد)؛ ۵. خون؛ ۶ و ۷. سگ و خوک؛ ۸. شراب؛ ۹. آبجو؛ ۱۰. کافر؛ ۱۱. عرق شتر نجاستخوار

به توضیحات کوتاهی پیرامون احکام برخی از نجاسات فوق توجّه فرمایید:

### ادرار و مدفوع

**مسئله ۲۲-** ادرار و مدفوع و خون انسان و حیوانهای حرام گوشت که خون جهنده دارند (یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن به سرعت جاری می‌شود) نجس است.

**مسئله ۲۳-** ادرار و مدفوع حیوانهای حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و ادرار و مدفوع و خون حیوانهایی که خون جهنده ندارند؛ مانند مار و ماهی، پاک است.

**مسئله ۲۴-** ادرار و فضولات حیوانهایی که گوشت آنها مکروه است، پاک می‌باشد؛ مانند: اسب و الاغ.

**مسئله ۲۵-** فضله پرندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ، پاک است.

### مُردار

**مسئله ۲۶-** به حیوانی که به طور طبیعی بمیرد «مُردار» گفته می‌شود.

**مسئله ۲۷-** حیوان‌ها دو دسته اند، برخی خون جهنده دارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار از آن بیرون می‌آید و برخی دیگر خون جهنده ندارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار بیرون نمی‌آید.

**مسئله ۲۸-** مردار حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند ماهی، پاک است.

**مسئله ۲۹-** اجزای بی روح مردار حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند مو و شاخ بیرونی، پاک و اجزای روح دارش؛ مانند گوشت و پوست، نجس است.

**مسئله ۳۰-** تمام اجزای بدن سگ و خوک؛ چه مرده و چه زنده آن نجس است.

**مسئله ۳۱-** انسان مرده هرچند تازه از دنیا رفته و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزای بی روح او؛ مانند ناخن، مو و دندان) تمام بدنش نجس می‌باشد.

**مسئله ۳۲-** هرگاه میت را غسل دهند، بدنش پاک می‌شود.

**مسئله ۳۳-** کسی که در راه خدا و برای حفظ اسلام می‌جنگد، اگر در میدان نبرد و معرکه درگیری کشته شود و همان جا از دنیا برود بدنش پاک است و نیاز به غسل و کفن ندارد.

### خون

**مسئله ۳۴-** خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند مرغ و گوسفند، نجس است.

**مسئله ۳۵-** حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند مار، ماهی و پشه، خونش پاک است.

**مسئله ۳۶-** بنابر احتیاط واجب، از تخم مرغی که دَرّه ای خون در آن است باید اجتناب کرد؛ ولی اگر خون در زرده باشد، تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده تخم مرغ پاک می‌باشد.

**مسئله ۳۷-** خونی که از لای دندان (لثه) می‌آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.

### سگ و خوک

**مسئله ۳۸-** سگ و خوک معمولی نجس است و با آب کشیدن هم پاک نمی‌شود، حتی مو، پنجه و ناخن و رطوبت های آن هم نجس می‌باشد.

**مسئله ۳۹-** همراه داشتن سگ در ماشین و خیابان و نگهداری آن در خانه که نوعی تقلید از بیگانگان است، شایسته مسلمانان با شخصیت نیست و از جهات شرعی (نجاست و طهارت) مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.

### چیز پاک چگونه نجس می‌شود؟

**مسئله ۴۰-** اگر چیز پاکی به نجسی برخورد کند و یکی از آن دو به گونه‌ای تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود.

**مسئله ۴۱-** اگر انسان نداند چیز پاکی نجس شده است یا نه؟ پاک است. جستجو و وارسی هم لازم نیست، هرچند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را با جستجو بفهمد.

**مسئله ۴۲-** خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

### مُطَهَّرَات (پاک کننده ها)

**مسئله ۴۳-** مطهّرات، اشیای نجس را پاک می‌کند. عمده پاک کننده ها عبارتند از:

۱. آب؛ ۲. زمین؛ ۳. آفتاب؛ ۴. اسلام؛ ۵. برطرف شدن نجاست (به شرحی که خواهد آمد).

### احکام آبها

آب اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای بهتر یادگرفتن مسائل مربوط به آن، کمک می‌کند.

**مسئله ۴۴-** آب یا «مضاف» است یا «مطلق»: «آب مضاف» آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن «آب» گفته نشود؛ مانند شربت. «آب مطلق» آبی است که مضاف نباشد.

**مسئله ۴۵-** آب مضاف:

«ممکن است چیز کثیفی را تمیز کند؛ ولی هرگز چیز نجس را پاک نمی‌کند (و از مطهّرات نمی‌باشد).

«اگر با نجاست برخورد کند، نجس می‌شود؛ هرچند نجاست کم باشد و بو یا رنگ و یا مزه آب عوض نشود.

«وضو و غسل با آن باطل است.

### اقسام آب مطلق

**مسئله ۴۶-** آب یا از آسمان می‌بارد که باران است، - یا از زمین می‌جوشد، که اگر جریان داشته باشد؛ مانند آب چشمه و قنات «آب جاری» است و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» است. و یا این که نه می‌جوشد و نه می‌بارد، که اگر به مقداری که در مسأله بعد خواهد آمد، باشد «کُر» و اگر کمتر از این مقدار باشد «قلیل» است.

**مسئله ۴۷-** مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک حداقل  $\frac{3}{5}$  و جب باشد بریزند پر شود، یا وزن آن ۲۸۴ کیلوگرم باشد، به مقدار کُر است.

**مسئله ۴۸-** آب قلیل به محض برخورد با نجاست، نجس می‌شود، مگر آن که با فشار به چیز نجس برسد که در این صورت فقط قسمتی که با نجس برخورد کرده نجس می‌شود؛ مانند ظرف آبی که از بالا بر چیز نجس ریخته می‌شود، تنها آبهایی که به چیز نجس رسیده نجس می‌شود و آبهای بالا و داخل ظرف پاک است.

**مسئله ۴۹-** اگر آب کر یا جاری، به آب قلیل نجس متصل شود و با آن مخلوط گردد، پاک می‌گردد. (مثلاً: اگر ظرف آبی قلیلی را که نجس شده، زیر شیر آبی که به منبع کر متصل می‌باشد بگذارند و آب بر آن باز کنند پاک می‌شود) ولی اگر بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری با آن مخلوط شود که بو یا رنگ یا مزه نجاست از بین برود.

**مسئله ۵۰-** تمام اقسام آبهای مطلق، بجز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود (بنابراین، آب جاری، چاه، کُر و حتی باران در این حکم مشترکند).

**مسئله ۵۱-** آب لوله‌هایی که متصل به منبع کُر می‌باشد، در حکم آب کر است.

**مسئله ۵۲-** برخی از خصوصیات آب باران:

✽ اگر باران بر چیز نجسی که عین نجس (عین نجس چیزی است که خودبه خود نجس است؛ مانند ادرار و خون) در آن نیست، یک بار ببارد پاک می‌شود.

✽ اگر بر فرش و لباس نجس ببارد فشار لازم ندارد و پاک می‌شود؛ به شرط این که غسله آن (آب موجود در آن) خارج شود.

✽ اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.

✽ هرگاه آب باران در جایی جمع شود، اگرچه کمتر از کُر باشد، چنانچه چیز نجسی را در حالی که باران همچنان می‌بارد، در آن بشویند، تا زمانی که آن آب، بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته، پاک است.

### چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟

**مسئله ۵۳-** برای پاک کردن چیزهای نجس، ابتدا باید نجاست را برطرف کرده، سپس طوری که در مسائل آینده خواهد آمد، آن را آب کشید.

**مسئله ۵۴-** ظرف نجس را، بعد از برطرف کردن نجاست، اگر یک مرتبه با آب کر یا آب لوله کشی بشویند کافی است؛ ولی با آب قلیل باید سه مرتبه شسته شود.

**مسئله ۵۵-** ظرف نجس را می‌توان این گونه آب کشید: با آب کر: یک بار آن را در آب برده و بیرون آورند.

با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را بطوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.

**مسئله ۵۶-** فرش و لباس و چیزهایی مانند آن، که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشار دادن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کنند، باید بعد از هر بار شستن، آن را فشار دهند تا آبهای داخل آن بیرون آید و یا به گونه ای دیگر آب آن گرفته شود؛ ولی در آب کُر و جاری فشار دادن لازم نیست. به شرط این که آن را طوری در آب تکان دهند که آب از آن بگذرد.

**مسئله ۵۷-** موکت چسبیده به زمین به وسیله آب لوله کشی پاک می‌شود و لازم است مقداری فشار داده شود و بهتر این است که آب موجود در آن را با چیزی جمع کنند.

### زمین

**مسئله ۵۸-** اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین پاک می‌شود؛ به شرط آن که عین نجاست از آن محل برطرف شود. و زمین باید:

الف) پاک باشد.

ب) خشک باشد.

ج) خاک، شن، سنگ، آجر فرش، آسفالت و مانند اینها باشد.

**مسئله ۵۹-** اگر بر اثر راه رفتن یا مالیدن پا بر زمین، نجاست ته کفش یا کف پا برطرف شود، پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود.

### آفتاب

**مسئله ۶۰-** آفتاب (با شرایطی که خواهد آمد) زمین و پشت بام را پاک می‌کند؛ ولی پاک کردن ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است، مانند در و پنجره، محل اشکال است.

**مسئله ۶۱-** آفتاب، زمین و پشت بام را با این شرایط پاک می‌کند:

(الف) چیز نجس، تر باشد، به قدری که اگر چیزی به آن برسد، تر شود.

(ب) با تابش آفتاب، چیز نجس خشک شود، اگر مرطوب بماند، پاک نشده است.

(ج) چیزی؛ مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آن که نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند.

(د) آفتاب، به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً به کمک باد خشک نشود.

(هـ) هنگام تابش آفتاب، نجاست در آن نباشد، پس اگر نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف کنند.

**مسئله ۶۲-** اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، می‌توان مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن بشود، بر آن ریخت تا آفتاب بر آن بتابد و آن را پاک کند.

### اسلام

**مسئله ۶۳-** کافر بنا بر احتیاط واجب نجس است و اگر شهادتین را بگوید، مسلمان می‌شود؛ یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

و با اسلام، پاک می‌گردد.

### برطرف شدن عین نجاست

**مسئله ۶۴-** در دو مورد، با برطرف شدن نجاست، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد.

**الف)** بدن حیوان، مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست از منقارش برطرف شود پاک است.

**ب)** باطن بدن، مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ مثلاً اگر هنگام مسواک کردن، از لثه ها خون بیاید و خون برطرف شود، داخل دهان پاک است و آب کشیدن آن لازم نیست. ولی مسواک اگر با خون برخورد داشته باشد به احتیاط واجب، نجس می‌شود هرچند داخل دهان باشد.

### وضو

بدون شک «وضو» دارای دو فایده روشن است:

«فایده بهداشتی» و «فایده اخلاقی و معنوی» از نظر بهداشتی شستن صورت و دستها، آن هم پنج یا لاقل سه بار در شبانه روز، اثر قابل ملاحظه ای در نظافت بدن دارد، مسح کردن بر سر و پشت پاها، که شرط آن رسیدن آب به موها، یا پوست بدن است، سبب می‌شود که این اعضا را نیز پاکیزه بداریم، ضمن این که تماس آب با پوست بدن، اثر خاصی در تعادل اعصاب «سمپاتیک» و «پاراسمپاتیک» دارد.

و از نظر اخلاقی و معنوی چون با قصد قربت و برای رضای خدا انجام می‌شود، اثر تربیتی دارد؛ زیرا مفهوم کنایی وضو این است که: «از فرق تا قدم در راه اطاعت تو گام برمی‌دارم.» در

روایتی از امام هشتم (علیه السلام) اشارتی به این مطلب شده است. (بر گرفته شده از تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۲۹۱)

نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند. در برخی از موارد هم باید «غسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن «تیمم» انجام دهد که در این قسمت با احکام هر یک آشنا خواهید شد.



### چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

**مسئله ۶۵-** انسان باید برای نماز (بجز نماز میت) و برای طواف کعبه و برای تماس بدن با نوشته قرآن و اسم خداوند وضو بگیرد.

**مسئله ۶۶-** اگر نماز یا طواف، بدون وضو انجام شود باطل است.

**مسئله ۶۷-** کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته ها برساند:

\* خط قرآن، ولی ترجمه آن اشکال ندارد.

\* اسم خداوند به هر زبانی که نوشته شده باشد، مانند «الله»، «خدا»، «God».

\* نام پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اسامی امامان (علیهم السلام) و نام حضرت زهرا (علیها السلام) اگر بی احترامی به آنها باشد.

**مسئله ۶۸-** برای این کارها وضو گرفتن مستحب است:

(الف) رفتن به مسجد و حرم امامان (علیهم السلام).

(ب) خواندن قرآن.

(ج) همراه داشتن قرآن.

(د) تماس بدن با جلد یا حاشیه قرآن.

(ه) خواندن نماز میت.

(و) زیارت اهل قبور.

**مسئله ۶۹-** برای محو کردن اسامی مقدسه می توان آن را در جایی دفن کرد، یا به رودخانه ای ریخت، یا با قلم و ماژیک و مانند آن، آن را محو کرد. و از همه بهتر اینکه به مراکزی داد که آن را خمیر می کنند. و با آن مقوا و مانند آن می سازند.

**مسئله ۷۰-** استفاده از گردنبندهایی که اسامی مقدسه دارند، اشکالی ندارد، مشروط بر آنکه بدون وضو با بدن تماس مستقیم نداشته باشد.

### چگونه وضو بگیریم؟

**مسئله ۷۱-** برای انجام وضو، انسان باید ابتدا صورت، سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوید، آنگاه با همان رطوبتی که از شستن دست بر کف آن باقی مانده، سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر سر بکشد و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح نماید.

### توضیح اعمال وضو

**مسئله ۷۲-** در وضو انسان باید ابتدا صورت را، از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه، از بالا به پایین بشوید و برای آن که یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف صورت را هم بر آن بپزاید.

**مسئله ۷۳-** بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

**مسئله ۷۴-** برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید کمی بالاتر از آرنج را هم بشوید.

**مسئله ۷۵-** کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا مچ شسته، هنگام وضو باید تا سر انگشتان را بشوید، و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضویش باطل است.

**مسئله ۷۶-** جای مسح، یک قسمت از چهار قسمت سر است که بالای پیشانی از فرق سر تا (جلوی سر) می باشد.

**مسئله ۷۷-** مسح سر، به هر مقدار که باشد کافی است.

**مسئله ۷۸-** مستحب است سر را به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت مسح کند.

**مسئله ۷۹-** لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، مگر این که موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورت بریزد، که در این صورت باید، پوست سر یا انتهای مو را مسح کند.

**مسئله ۸۰-** پس از مسح سر، باید با رطوبتی که از وضو بر کف دست باقی مانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند، و احتیاطاً مستحب آن است که تا مفصل (جایی که متصل به ساق پا می شود) را نیز مسح کند.

**مسئله ۸۱-** در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد، و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.

**مسئله ۸۲-** اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی تواند دست را با آب خارج تر کند؛ بلکه باید از اعضای دیگر وضو؛ مثلاً صورت، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.

**مسئله ۸۳-** رطوبت دست باید بقدری باشد که هنگام مسح بر سر و پا اثر بگذارد.

**مسئله ۸۴-** محلّ مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد؛ ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست بر آن نباشد اشکالی ندارد.

**مسئله ۸۵-** روی کلاه یا جوراب نمی‌توان مسح کرد.

**مسئله ۸۶-** محلّ مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد باید پارچه پاکی روی آن بیندازد و بر آن مسح کند و بعد تیمّم کند.

### شرایط وضو

**مسئله ۸۷-** با بودن شرایط زیر، وضو صحیح و با نبودن حتی یکی از آنها باطل است:

۱. آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).
۲. آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).
۳. آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرد مباح باشد (غصبی نباشد).
۴. ظرف آب وضو مباح باشد (به شرحی که خواهد آمد).
۵. ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد (به شرحی که خواهد آمد).
۶. اعضای وضو پاک باشد.
۷. مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد.
۸. با قصد قربت و بدون ریا وضو بگیرد.
۹. رعایت ترتیب (به همان صورت که قبلاً گفته شد).
۱۰. رعایت مؤالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد).
۱۱. در کارهای وضو از دیگری کمک نگیرد. (به شرحی که خواهد آمد).
۱۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
۱۳. برای وضو گرفتن وقت داشته باشد.

### توضیح شرایط وضو

**مسئله ۸۸-** وضو با آب نجس و مضاف باطل است؛ خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.

**مسئله ۸۹-** آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:

الف) وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست.

ب) آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.

ج) آبی که وقف افراد خاصی است، برای غیر آن افراد؛ مانند آب برخی از مدارس که وقف محصلین همان مدرسه است و وضوخانه مساجد، که وقف کسانی است که در آنجا نماز می‌خوانند.

**مسئله ۹۰-** وضو گرفتن از نهرها و چشمه‌ها، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که با آن آبها وضو نگیرد.

**مسئله ۹۱-** اگر آب در ظرف غصبی باشد و آب دیگری نباشد باید تیمّم کرد.

**مسئله ۹۲-** اعضای وضو؛ یعنی صورت، دستها و پاها در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.

**مسئله ۹۳-** اگر چیزی بر صورت یا دستها باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود.

**مسئله ۹۴-** اگر چیزی بر اعضای مسح (جلوی سر و روی پاها) باشد، هرچند از رسیدن آب جلوگیری نکند، باید برطرف شود؛ چون بین دست و محلّ مسح نباید چیزی فاصله شود.

**مسئله ۹۵-** چنانچه کرم مانع رسیدن آب نباشد، اشکالی ندارد. و کرمهای معمولی مانع نیست.

**مسئله ۹۶-** جوهر خودکارهای معمولی مانع رسیدن آب نیست.

**مسئله ۹۷-** برای مسح بر موی ژل زده لازم است بیخ موها را که ژل ندارد، مسح کند.

**مسئله ۹۸-** خطّ قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کرم، در صورتی که رنگ بدون چرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر چرم دارد و روی پوست را گرفته باشد باید برطرف شود. ولی رنگ خودکار معمولاً مانع رسیدن آب نیست.

**مسئله ۹۹-** اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده، ولی نمی‌داند که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند، یا آب را به زیر آن برساند.

**مسئله ۱۰۰-** کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود: اول صورت، بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح کند، و نباید پای چپ را پیش از پای راست مسح کند، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است.

**مسئله ۱۰۱-** موالات یعنی: پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو. **مسئله ۱۰۲-** اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که مردم بگویند پشت سر هم وضو نمی گیرد وضوی او باطل است.

**مسئله ۱۰۳-** کسی که می تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد وضو باطل است؛ ولی اگر آب کف دست او بریزد و خودش صورت و دستها را بشوید مانعی ندارد.

**مسئله ۱۰۴-** کسی که نمی تواند وضو بگیرد، باید به کمک شخص دیگر وضو بگیرد، ولی خود او باید نیت وضو کند.

**مسئله ۱۰۵-** کسی که می داند اگر وضو بگیرد مریض می شود و یا می ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.

**مسئله ۱۰۶-** وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می داند وضو می گیرد کافی است، به طوری که اگر از او بپرسند، چه می کنی؟ بگوید وضو می گیرم.

**مسئله ۱۰۷-** اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر بخواهد وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند، لکن اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

### احکام وضوی جبیره ای

چیزی که با آن زخم یا عضو شکسته را می بندند و دوایی که روی آن می گذارند «جبیره»

نامیده می شود.

**مسئله ۱۰۸-** هرگاه در یکی از جاهای وضو زخم یا دُمَل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و خون ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد باید مطابق معمول، وضو بگیرد.

**مسئله ۱۰۹-** هرگاه زخم یا دُمَل یا شکستگی در صورت و دستهاست و روی آن باز می باشد؛ اما آب ریختن روی آن ضرر دارد، کافی است اطراف آن را بشوید، ولی اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد باید دست تر بر خود آن نیز بکشد و اگر ضرر دارد مستحب است پارچه پاک روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد.

**مسئله ۱۱۰-** هرگاه زخم یا دمل و شکستگی در محل مسح باشد چنانچه نتواند آن را مسح کند باید پارچه پاک روی آن بگذارد و روی پارچه را با رطوبت آب وضو مسح کند و بنا بر احتیاط واجب، تیمم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید وضوی بدون مسح بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بکند.

**مسئله ۱۱۱-** هرگاه زخم یا دمل و شکستگی با پارچه یا گچ یا مانند آن بسته شده است، چنانچه باز کردن آن ضرر و مشقت زیادی ندارد و آب هم برای آن مضر نیست، باید آن را باز کند و وضو بگیرد، در غیر این صورت اطراف زخم یا شکستگی را بشوید و احتیاط مستحب آن است که روی جبیره را نیز مسح کند و اگر جبیره، نجس است یا نمی شود روی آن دست تر بکشد، پارچه پاک را بر آن ببندد و دست تر روی آن بکشد.

**مسئله ۱۱۲-** هرگاه جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها را گرفته باشد، باید بنا بر احتیاط هم وضوی جبیره ای بگیرد و هم تیمم کند، همچنین اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد.

**مسئله ۱۱۳-** کسی که در کف دست و انگشتهایش جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده، می تواند مسح سر و پا را با همان رطوبت انجام دهد و اگر کافی نباشد، از جاهای دیگر وضو رطوبت می گیرد.

**مسئله ۱۱۴-** هرگاه جبیره بیشتر از معمول، اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط مستحب، تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره اضافی ممکن است باید آن را بردارد.

**مسئله ۱۱۵-** هرگاه در جای وضو، زخم و جراحت و شکستگی وجود ندارد، اما به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، باید تیمم کند، ولی اگر فقط برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد، چنانچه اطراف آن را بشوید کافی است و احتیاط آن است که تیمم هم بکند.

**مسئله ۱۱۶-** اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده که برداشتن آن ممکن نیست، یا بسیار مشقت دارد باید به دستور جبیره عمل کند، یعنی اطراف آن را بشوید و روی آن را دست بکشید.

**مسئله ۱۱۷-** غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است، ولی تا ممکن است باید غسل را ترتیبی بجا آورد، بنا بر احتیاط واجب.

**مسئله ۱۱۸-** کسی که وظیفه او تیمم است، هرگاه در اعضای تیمم او زخم، یا دُمَل، یا شکستگی باشد باید مطابق دستور وضوی جبیره ای تیمم جبیره ای کند.

**مسئله ۱۱۹-** کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره ای است، چنانچه می داند تا آخر وقت عذر او برطرف نمی شود می تواند در اول وقت نماز بخواند، اما اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کند.

**مسئله ۱۲۰-** لازم نیست نمازهایی را که با وضو یا غسل جبیره ای می خواند بعد از برطرف شدن عذر دوباره بخواند، مگر این که قبل از پایان وقت نماز، عذرش برطرف شود، در اینجا بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را دوباره بخواند.

### چگونه وضو باطل می شود؟

**مسئله ۱۲۱-** اگر یکی از امور زیر از انسان سر بزند وضو باطل می شود:

الف) خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد معده و روده از انسان.

ب) خواب؛ چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.

ج) چیزهایی که عقل را از بین می برد؛ مانند دیوانگی، مستی، بیهوشی. (بنا بر احتیاط واجب).

د) استحاضه زنان.

ه) آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مسّ میّت و مانند آن.

### احکام تلاوت قرآن

**مسئله ۱۲۲-** قرآن همیشه باید پاک و تمیز باشد و نجس کردن خط و ورق قرآن، حرام است، و اگر نجس شود باید فوراً آن را به طرز صحیحی آب بکشند.

**مسئله ۱۲۳-** اگر جلد قرآن نجس شود و بی احترامی به قرآن باشد، باید آن را هم آب بکشند.

### لمس کردن خطوط قرآن

**مسئله ۱۲۴-** دست زدن، بوسیدن و رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن، برای کسی که وضو ندارد حرام است.

**مسئله ۱۲۵-** در لمس نوشته قرآنی، فرقی بین آیات و کلمات، بلکه حروف و حتی حرکات آن نیست.

**مسئله ۱۲۶-** در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده است، بین کاغذ و زمین و دیوار و پارچه فرقی نیست.

**مسئله ۱۲۷-** در نوشته قرآنی فرقی نیست که با قلم نوشته شده باشد یا چاپ یا گچ و یا چیز دیگر.

**مسئله ۱۲۸-** اگر نوشته قرآنی در قرآن هم نباشد، لمس آن بدون وضو حرام است. مثل این که آبه ای از قرآن در کتاب دیگری نوشته شده باشد.

**مسئله ۱۲۹-** موارد زیر، لمس نوشته قرآن به حساب نمی آید و حرام نمی باشد:

• لمس آن از پشت شیشه، یا پلاستیک.

• لمس ورق قرآن و جلد آن و اطراف نوشته ها.

• لمس ترجمه قرآن، به هر لغتی باشد، مگر اسم خداوند که به هر لغتی باشد، لمس آن برای کسی که وضو ندارد حرام است، مانند کلمه «خدا».

**مسئله ۱۳۰-** کلماتی که مشترک بین قرآن و غیر قرآن است مانند «مؤمن»، «الذین» اگر نویسنده به قصد قرآن نوشته باشد لمس آن بدون وضو حرام است. (بنا بر احتیاط).

**مسئله ۱۳۱-** لمس خطوط قرآن بر جُنب و حائض، حرام است.

**مسئله ۱۳۲-** انسان جُنب و حائض نباید آیات سجده واجب قرآن را بخواند.

## غسل

گاهی برای نماز و سایر کارهایی که باید با وضو انجام داد، غسل واجب می شود.

### شیوه غسل کردن

**مسئله ۱۳۳-** در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت، و یا مستحب، مانند غسل جمعه. به عبارت دیگر: تمام غسلها در عمل با یکدیگر فرقی ندارند مگر در نیت.

**مسئله ۱۳۴-** غسل را به دو صورت می توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی».

در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می شود، سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ بدن.

در غسل ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می گیرد. پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب قدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را یکجا در آب فرو ببرد.

### شرایط صحیح بودن غسل

**مسئله ۱۳۵-** تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، در صحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. و همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید.

**مسئله ۱۳۶-** اگر در بین غسل، کاری که وضو را باطل می کند انجام دهد مثلاً ادرار کند غسل او باطل نمی شود، ولی برای نماز و مانند آن باید وضو بگیرد.

**مسئله ۱۳۷-** کسی که چند غسل بر او واجب است، می تواند به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد. و اگر تنها یکی از آنها بخاطرش باشد و برای آن غسل کند بقیه از او ساقط می شود هر چند نیت نکرده باشد.

**مسئله ۱۳۸-** تمام غسلهای واجب و همچنین غسلهای مستحبی که با دلیل معتبر ثابت شده (مثل غسل جمعه، غسل احرام، غسل شبهای قدر و مانند آن) کفایت از وضو می کند.

**مسئله ۱۳۹-** هر غسل واجب و مستحب، کفایت از وضو می کند ولی احتیاطاً مستحب آن است که در غیر غسل جنابت وضو بگیرد.

**مسئله ۱۴۰-** در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، بنابراین اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت، آب بکشد کافی است.

**مسئله ۱۴۱-** غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است.

**مسئله ۱۴۲-** کسی که روزه واجب گرفته، نمی تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه دار نباید تمام سر را در آب فرو برد. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است.

**مسئله ۱۴۳-** در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود، و چنانچه با نیت غسل، هر طور آب را به تمام بدن برساند کافی است.

**مسئله ۱۴۴-** کسی که زیادتراً معمول در حمام آب می ریزد، غسل او اشکال دارد.

**مسئله ۱۴۵-** هرگاه کسی جنب شده و نماز خوانده است، اگر بعداً شک کند که غسل کرده یا نه، آن نماز صحیح است ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.

## احکام غسل

### غسلهای واجب

**مسئله ۱۴۶-** غسلهای واجب عبارتند از:

الف) جنابت؛ ب) میت؛ ج) مس میت؛ د) حیض؛ هـ) استحاضه؛ و) نفاس؛ ز) غسل مستحبی که به سبب نذر واجب می شود.

### غسل جنابت

**مسئله ۱۴۷-** اگر از انسان متی بیرون آید، هر چند در خواب باشد، جنب می شود و باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل جنابت انجام دهد. (برای آگاهی بیشتر به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه شود.)

### کارهایی که بر جنب حرام است

**مسئله ۱۵۱-** چند کار بر جنب حرام است:

الف) رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب اسامی پیامبران و امامان (علیهم السلام).

ب) رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلی الله علیه وآله) هرچند از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون رود.

ج) توقّف در سایر مساجد و حرم امامان(علیهم السلام)؛ ولی اگر از یک در برود و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد؛ اما هنگامی که جنب غسل کند و یا در صورت عدم توانایی بر غسل، تیمّم کند، تمام این امور بر او حلال می شود.

د) خواندن آیه های سجده واجب که در چهار سوره قرآن آمده است: ۱. سوره سجده، ۲. سوره فصلّت، ۳. سوره نجم، ۴. سوره غلق.

**مسئله ۱۵۲-** اگر شخصی در خانه اش مکانی را برای نماز قرار دهد (و همچنین در مؤسسه یا اداره ای) حکم مسجد ندارد.

**مسئله ۱۵۳-** توقّف در حرم امامزاده ها مثل حرم حضرت معصومه(علیها السلام) در حال جنابت اشکال ندارد؛ ولی توقّف در مساجدی که کنار حرم ها ساخته اند، حرام است.

### غسلهای اختصاصی دختران و بانوان

**مسئله ۱۵۷-** سه غسل از غسلهای واجب؛ یعنی غسل حیض، استحاضه و نفاس، تنها بر دخترها و بانوان واجب می شود و سبب این غسلها خونی است که از رحم بیرون می آید و هر یک احکام خاصی دارد.

### غسل حیض(قاعدگی)

**مسئله ۱۵۸-** «حیض» که گاهی از آن تعبیر به «عادت ماهانه» می کنند، خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم خارج می شود. خون حیض معمولاً غلیظ، گرم و پررنگ است و با فشار و کمی سوزش می آید.

**مسئله ۱۵۹-** زمانی که خونریزی عادت ماهانه قطع شود، زن باید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد غسل کند.

**مسئله ۱۶۰-** خونریزی عادت ماهانه (قاعدگی) قبل از بلوغ اتفاق نمی افتد.

**مسئله ۱۶۱-** سه روز اول حیض باید پشت سر هم باشد، بنابراین اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره ببیند حیض نیست. و این که می گوییم باید پشت سر هم باشد، معنایش این نیست که در تمام سه روز خون بیرون آید، بلکه در فضای داخلی مجرا خون باشد، کافی است.

**مسئله ۱۶۲-** دوره عادت ماهانه کمتر از سه روز مستمر نیست، پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود حکم حیض را ندارد.

**مسئله ۱۶۳-** دوره عادت ماهانه بیش از ده روز طول نمی کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز حکم حیض را ندارد.

**مسئله ۱۶۴-** دختری که نمی داند نه (۹) سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض را نداشته باشد، حیض نیست و اگر نشانه ها را داشته باشد و اطمینان حاصل کند که حیض است، دلیل بر این است که نه (۹) سالش تمام و بالغ شده است.

**مسئله ۱۶۵-** در مدت عادت ماهانه این کارها بر زن حرام است: الف) نماز؛ ب) طواف کعبه؛ ج) کارهایی که بر جنب حرام است، مانند توقّف در مسجد.

**مسئله ۱۶۶-** در ایام حیض و عادت ماهانه نماز و روزه بر زن واجب نیست و نمازها قضا ندارد؛ ولی قضاى روزه ها را باید بجا آورد.

**مسئله ۱۶۷-** غسل حیض با جنابت فرقی ندارد؛ مگر در نیت.

**مسئله ۱۶۸-** با پایان یافتن دوره خون ریزی با غسل حیض به تنهایی می توان نماز خواند، و احتیاج به وضو نیست.

**مسئله ۱۶۹-** هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند یا گمان داشته باشد که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می شود، باید فوراً نماز را بخواند.

**مسئله ۱۷۰-** هرگاه زن در وسط نماز حائض شود نماز او باطل است و نباید ادامه دهد ولی اگر شک کند، نماز او صحیح است.

### غسل استحاضه

**مسئله ۱۷۱-** یکی دیگر از خونهایی که گاهی اوقات از رحم بیرون می آید «استحاضه» است. خون استحاضه معمولاً زردرنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ نیست، ولی گاهی ممکن است شباهتی با خون حیض داشته باشد.

**مسئله ۱۷۲-** هر خونی که از زن خارج شود و شرایط حیض و نفاس را نداشته باشد و مربوط به بکارت یا زخم یا جراحی در رحم نبوده باشد، خون استحاضه است.

**مسئله ۱۷۳-** استحاضه حداقل و حداکثر ندارد.

**مسئله ۱۷۴-** استحاضه دو قسم است: قلیله و کثیره.

استحاضه قلیله آن است که هرگاه زن پنبه ای را داخل مجرا کند، خون آن را آلوده نماید خواه خون در پنبه فرو رود یا نه، ولی از طرف دیگر پنبه جاری نشود.

استحاضه کثیره آن است که خون، در پنبه فرو رود و از آن بگذرد و جاری شود.

**مسئله ۱۷۵-** در استحاضه قلیله (بنابر احتیاط واجب) باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و واجب است از سرایت خون به سایر اعضا جلوگیری نماید، اما عوض کردن دستمال و پنبه واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب است. ولی در استحاضه کثیره واجب است سه غسل انجام دهد: یک غسل برای نماز صبح و غسلی دیگر برای نماز ظهر و عصر و غسل سوم برای نماز مغرب و عشا و باید میان این نمازها مثل ظهر و عصر فاصله نیندازد و احتیاط مستحب آن است که علاوه بر این، برای هر نماز یک وضو هم بگیرد، قبل از غسل یا بعد از آن.

**مسئله ۱۷۶-** هرگاه استحاضه قلیله بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود باید برای نماز مغرب و عشا غسل کند.

**مسئله ۱۷۷-** در تمام مواردی که غسل بر او واجب می شود اگر غسل کردن مکرر برای او ضرر دارد، یا مایه مشقت زیاد است می تواند به جای آن تیمم کند.

**مسئله ۱۷۸-** زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای اولین نماز باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

**مسئله ۱۷۹-** هرگاه در موقع غسل خون قطع نشود، ضرری برای غسل ندارد، خواه غسل ترتیبی باشد یا ارتماسی.

### غسل نفاسی

**مسئله ۱۸۰-** غسل نفاس مربوط به ولادت فرزند است و در زمان دیگری دیده نمی شود که زن پس از خونریزی زایمان باید آن را انجام دهد.

### تیمم

**مسئله ۱۸۱-** در چند مورد باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:

(الف) دسترسی به آب نداشته باشد.

(ب) آب برای انسان ضرر داشته باشد؛ مثلاً به سبب استعمال آب بیماری در او پیدا می شود یا بیماریش شدت می یابد و یا دیر خوب می شود.

(ج) اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همسر او یا فرزندانش یا رفیقش و یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی هلاک می شوند یا بیمار می شوند، یا به قدری تشنه می شوند که تحمل آن سخت است (حتی حیوانی که در اختیار اوست نیز همین حکم را دارد).

(د) بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر و آب کشیدن آن ندارد، و لباس دیگری نیز ندارد.

(هـ) وقت به قدری تنگ است، که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می شود.

### دستور تیمم

**مسئله ۱۸۲-** در تیمم پنج چیز واجب است:

(الف) نیت

(ب) زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.

(ج) کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می روید تا روی ابروها و بالای بینی.

(د) کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.

(هـ) کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ (انگشتان هم جزء کف دست می باشند).

**مسئله ۱۸۳-** برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید کمی بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

**مسئله ۱۸۴-** انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر مانع دیگری نیز در پیشانی یا دستها وجود دارد برطرف کند.

**مسئله ۱۸۵-** تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت خداوند انجام شود، و همچنین باید معلوم کند که تیمم به جای وضو است یا غسل، و این همان نیت تیمم است.

### چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

**مسئله ۱۸۶-** تیمم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ، صحیح است، به شرط این که پاک باشد و غصبی نباشد.

### احکام تیمم

**مسئله ۱۸۷-** تیممی که به جای وضو است با تیممی که به جای غسل است فرقی ندارد. ولی بهتر است در تیمم به جای غسل بعد از مسح پیشانی یک بار دیگر دستها را به زمین بزند و فقط پشت دستها را مسح کند.

**مسئله ۱۸۸-** کسی که بجای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می کند از او سر بزند تیممش باطل می شود.

**مسئله ۱۸۹-** کسی که به جای غسل، تیمم کرده، هرگاه یکی از چیزهایی که غسل را باطل می کند، پیش آید تیممش باطل می شود؛ مثلاً اگر به جای غسل جنابت تیمم کرده، اگر دوباره جنب شود تیممش باطل می شود.

**مسئله ۱۹۰-** تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند؛ بنابراین اگر بدون عذر تیمم کند، صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمم او باطل می شود.

**مسئله ۱۹۱-** هرگاه به جای غسل تیمم کند لازم نیست وضو بگیرد، یا تیمم دیگری بدل از وضو کند، خواه غسل جنابت باشد یا غسلهای دیگر، ولی احتیاط مستحب آن است که در غسلهای دیگر وضو بگیرد یا اگر نمی تواند تیمم دیگری بدل از وضو کند.

### نماز

نماز رابطه انسان با خدا و مایه صفای روح و پاکی دل و پیدایش روح تقوا و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است.

نماز مهمترین عبادت است که اگر قبول درگاه خداوند بزرگ شود، عبادتهای دیگر نیز قبول می گردد و اگر نماز پذیرفته نشود، اعمال دیگر نیز ارزش نخواهد داشت.

همان طور که اگر انسان، در شبانه روز پنج نوبت، خود را در نهر آبی شستشو دهد، هیچ گونه اودگی در بدنش نمی ماند، نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می کند و غبار معصیت را از دلها می شوید.

در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و وصایا و سفارشهای پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) از مهمترین کارهایی که روی آن تأکید شده نماز است. بدین جهت ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می شود.

سزاوار است انسان نماز را اول وقت بخواند، و به آن اهمیت بسیار دهد، و از تند خواندن نماز، که ممکن است مایه خرابی آن گردد، جداً پرهیزد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«کسی که به نماز اهمّیت ندهد و آن را سبک شمارد، سزاوار عذاب آخرت است.»

روح نماز «حضور قلب» است، بنابراین باید عوامل حضور قلب را در خود تقویت کند، مثل این که معانی کلمات نماز را بفهمد، و در حال نماز به آن توجه داشته باشد، و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خدا بسیار کوچک ببیند.

سزاوار است نمازگزار کارهایی که ثواب نماز را کم می کند بجا نیاورد؛ مثلاً با حالت خواب اودگی نماز نخواند و در نماز به آسمان نگاه نکند. در برابر منظره هایی که جلب توجه می کند به نماز نایستد، بلکه کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند بجا آورد؛ مثلاً لباس پاکیزه بپوشد، خود را خوشبو کند، دندانهایش را مسواک بزند و موهایش را شانه کند.

### اقسام نماز

برای آشنایی با مسائل و احکام نماز، ابتدا یادآور می شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب، نمازهای واجب هم دو دسته اند؛ برخی از آنها تکلیف هر روزه می باشد که باید در هر شبانه روز و در زمانهای خاصی بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سبب خاص واجب می شود و برنامه همیشگی و هر روزه نیست.

**مسئله ۱۹۲-** نمازهای هر روزه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است.

نماز صبح : دو رکعت

نماز ظهر: چهار رکعت



نماز عصر: چهار رکعت  
نماز مغرب: سه رکعت  
نماز عشا: چهار رکعت

### وقت نمازهای روزانه

**مسئله ۱۹۳-** وقت نماز صبح از اذان صبح تا طلوع آفتاب است که در این مدت باید خوانده شود و هرچه به اذان صبح نزدیکتر باشد بهتر است.

وقت نماز ظهر و عصر از ظهر شرعی تا غروب است، و به اندازه خواندن یک نماز چهار رکعتی از اول وقت، مخصوص نماز ظهر و به همین مقدار که به غروب مانده مخصوص نماز عصر است. وقت نماز مغرب و عشا از مغرب تا نصف شب است و به اندازه خواندن یک نماز سه رکعتی از اول وقت، مخصوص نماز مغرب و به اندازه یک نماز چهار رکعتی که به نصف شب مانده است مخصوص نماز عشا می باشد. و احتیاط آن است که اگر از نصف شب بگذرد نیت ما فی الذمه کند (یعنی آنچه خدا به او دستور داده، خواه ادا باشد یا قضا).

### وقت صبح

**مسئله ۱۹۴-** نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سپیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را «فجر اول» گویند، هنگامی که آن سپیده، شفاف و پهن شد، «فجر دوم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

**مسئله ۱۹۵-** وقت اذان صبح (برای نماز و روزه) در شبهای مهتابی و غیر مهتابی یکسان است و معیار، ظاهر شدن نور شفق در افق است، هرچند بر اثر تابش مهتاب نمایان نباشد.

### وقت ظهر

**مسئله ۱۹۶-** اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، صبح که خورشید طلوع می کند، سایه آن به طرف مغرب می افتد و هرچه آفتاب بالا می آید سایه کم می شود، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است. (و به عبارت دیگر خورشید از روی نقطه جنوب بگذرد).

### وقت مغرب

**مسئله ۱۹۷-** «مغرب» موقعی است که آفتاب غروب کند و احتیاط آن است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر بگذرد.

### وقت نیمه شب

**مسئله ۱۹۸-** برای محاسبه نیمه شب، که پایان وقت نماز عشا به دست می آید، احتیاط واجب آن است که فاصله بین غروب آفتاب تا اذان صبح را نصف کنیم.

### احکام وقت نماز

**مسئله ۱۹۹-** نمازهای غیر روزانه دارای وقت مشخصی نمی باشد، و بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود؛ مثلاً نماز آیات بستگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه ای دارد که پیش آمده است و نماز میت، زمانی واجب می شود که مسلمانی از دنیا برود.

**مسئله ۲۰۰-** اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود و یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، نماز باطل است.

[اگر نماز در وقت خودش خوانده می شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز «ادا» است و اگر نماز بعد از گذشتن وقت خوانده شود، در اصطلاح گویند: نماز «قضا» شده است.]

**مسئله ۲۰۱-** انسان باید نماز را در وقت معین آن بخواند و اگر عمداً در آن وقت نخواند، گناهکار است.

**مسئله ۲۰۲-** مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند، و هرچه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

**مسئله ۲۰۳-** اگر وقت نماز تنگ باشد به گونه ای که اگر بخواند مستحبات نماز را بجا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می شود نباید مستحبات را بجا آورد، مثلاً اگر بخواند قنوت بخواند، وقت می گذرد، نباید قنوت را بخواند.

**مسئله ۲۰۴-** انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است. ولی اگر سهواً باشد مانعی ندارد.

### قبله

**مسئله ۲۰۵-** خانه کعبه، که در شهر مکه و در مسجدالحرام قرار دارد، «قبله» ما مسلمانهاست و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند.

**مسئله ۲۰۶-** کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است. قبله را می توان به وسیله قبله نما یا قبله مساجد یا قبور مسلمانان تشخیص داد.

### پوشاندن بدن در نماز

**مسئله ۲۰۷-** احتیاط آن است که مرد لباس مخصوص زنان و زن لباس مخصوص مردان را نپوشد، ولی نماز با آن اشکال ندارد.

**مسئله ۲۰۸-** دختران و زنان؛ باید تمام بدن را بپوشانند؛ ولی پوشاندن دستها و پاها تا مچ و صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود، لازم نیست، گرچه پوشاندن آن نیز اشکال ندارد.

**مسئله ۲۰۹-** برای دختران و زنان پوشانیدن موهای مصنوعی و زینت های پنهانی (مانند: دستبند و گردن بند) نیز لازم است.

**مسئله ۲۱۰-** لباس نمازگزار باید این شرایط را داشته باشد:

۱. پاک باشد. (نجس نباشد)
  ۲. مباح باشد. (غصبی نباشد)
  ۳. از اجزای مردار نباشد؛ حتی کمر بند و کلاه، ولی اگر آن را سر بریده باشند، هر چند مطابق دستور اسلام نباشد، پاک است و می توان در آن نماز خواند.
  ۴. از حیوان حرام گوشت نباشد، مثلاً از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد.
- مسئله ۲۱۱-** علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.

**مسئله ۲۱۲-** اگر انسان بداند بدن یا لباسش نجس است ولی هنگام نماز فراموش کند و با آن نماز بخواند نمازش باطل است.

**مسئله ۲۱۳-** در موارد زیر اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

- الف) نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.
- ب) به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن لباس هم دشوار است.
- ج) لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است؛ ولی مقدار آلودگی کمتر از درهم [تقریباً به اندازه یک بند انگشت] است.
- د) ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلاً آب برای آب کشیدن آن ندارد و لباس پاک هم ندارد.

**مسئله ۲۱۴-** اگر لباسهای کوچک نمازگزار؛ مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای مردار یا حرام گوشت نباشد اشکال ندارد.

**مسئله ۲۱۵-** پوشیدن چادر و لباس سفید و پاکیزه ترین لباسها و خوشبو کردن خود و دست کردن انگشتی عقیق در نماز، مستحب است.

**مسئله ۲۱۶-** پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه های لباس در نماز مکروه است. بهتر است در غیر نماز هم از آن پرهیز شود، مگر پوشیدن لباس مشکی در عزای معصومین (علیهم السلام) یا بستگان.

### مکان نمازگزار

**مسئله ۲۱۷-** مکانی که انسان بر آن نماز می خواند باید دارای شرایط زیر باشد:

- الف) مباح باشد (غصبی نباشد).
- ب) بی حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد؛ ولی در قطار و هواپیما اگر انسان بتواند تعادل خود را حفظ کند و سمت قبله را مراعات نماید نماز خواندن مانعی ندارد).
- ج) جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را بطور صحیح انجام دهد.
- د) جایی که پیشانی را می گذارد (در حال سجده) پاک باشد.

هـ) مکان نمازگزار اگر نجس است، تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند، ولی اگر خشک باشد، مانعی ندارد. (و) جایی که پیشانی را به سجده می گذارد، از جای قدمهای او، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد؛ ولی اگر شیب زمین کم باشد، اشکال ندارد.

### احکام مکان نمازگزار

**مسئله ۲۱۸-** در حال ناچاری نماز خواندن بر چیزی که حرکت می کند، مانند اتومبیل و در جایی که سقف آن کوتاه است و یا جایش تنگ است، مانند سنگر، اشکال ندارد.

**مسئله ۲۱۹-** باید در نماز، زن عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای سجده مرد کمی عقب تر باشد و گرنه نماز باطل است. در این حکم محرم و غیر محرم تفاوتی ندارند، ولی اگر میان مرد و زن دیوار یا پرده و مانند آن باشد یا به اندازه ده زراع (تقریباً ۵ متر) فاصله باشد، اشکال ندارد.

**مسئله ۲۲۰-** اگر زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده، نماز او صحیح و نماز دومی باطل است.

**مسئله ۲۲۱-** انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر (صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) نماز نخواند، و اگر موجب هتک احترام شود، نماز باطل است.

**مسئله ۲۲۲-** مستحب است، انسان نمازهای واجب را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسئله سفارش بسیار شده است.

### احکام مسجد

**مسئله ۲۲۳-** در اسلام به مسجد اهمّیت زیادی داده شده است زیرا:

۱. زیاد رفتن به مسجد برای عبادت مستحب است.
۲. رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است.
۳. همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.
۴. مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

**مسئله ۲۲۴-** کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غصب کند و در آن نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

**مسئله ۲۲۵-** این کارها در رابطه با مسجد، حرام است:

۱. زینت کردن مسجد با طلا.
۲. خرید و فروش مسجد، هر چند خراب شده باشد.
۳. نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند.
۴. بردن خاک و ریگ از مسجد به جای دیگر، مگر خاکهای زیادی، مانند خاکروبه.

**مسئله ۲۲۶-** این کارها در رابطه با مسجد، مستحب است:

۱. زودتر به مسجد رفتن.
۲. چراغ مسجد را روشن کردن.
۳. تمیز کردن مسجد.
۴. هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن که نشانه احترام به مسجد است.
۵. هنگام بیرون آمدن از مسجد اول پای چپ را بیرون گذاشتن.
۶. خواندن دو رکعت نماز مستحبی به عنوان تحیّات مسجد.
۷. خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباسهای خود برای رفتن به مسجد.

**مسئله ۲۲۷-** این کارها در رابطه با مسجد، مکروه است:

۱. عبور از مسجد به عنوان محلّ عبور.
۲. انداختن آب دهان و بینی در مسجد.
۳. خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری.
۴. صدا را بلند کردن، مگر برای اذان.
۵. خرید و فروش در مسجد.
۶. سخنان گفتن از امور دنیا.
۷. رفتن به مسجد برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می دهد.

### آمادگی برای نماز

اکنون، پس از فراگرفتن مسائل وضو، غسل، تیمّم، وقت نماز، لباس و مکان نمازگزار آماده شروع نماز می شویم:

**اذان و اقامه**

**مسئله ۲۲۸-** مستحب است، نمازگزار قبل از نمازهای یومیّه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.

**اذان**

اللهُ أَكْبَرُ

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان، خدایی نیست.

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

گواهی می‌دهم که محمد فرستاده خداست.

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللَّهِ

یعنی گواهی می‌دهم که علی ولی خدا بر همه خلق است.

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ

بشتابید بسوی نماز.

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ

بشتابید به سوی رستگاری.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

بشتابید به سوی بهترین کارها.

اللهُ أَكْبَرُ

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

جز آفریدگار جهان معبودی نیست.

۴ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

**اقامه**

اللهُ أَكْبَرُ

جز آفریدگار جهان معبودی نیست.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

گواهی می‌دهم که محمد فرستاده خداست.

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللَّهِ

یعنی گواهی می‌دهم که علی ولی خدا بر همه خلق است.

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ

بشتابید بسوی نماز.

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ

بشتابید به سوی رستگاری.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

بشتابید به سوی بهترین کارها.

فَدَقَاتِ الصَّلَاةِ

همانا نماز برپا شد.

اللهُ أَكْبَرُ

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

جز آفریدگار جهان معبودی نیست.

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۲ مرتبه

۱ مرتبه

**مسئله ۲۲۹-** جمله «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللَّهِ؛ گواهی می‌دهم که علی ولی خدا بر همه خلق است» جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» به قصد قربت و تبرک گفته شود.

### احکام اذان و اقامه

**مسئله ۲۳۰-** اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است.

**مسئله ۲۳۱-** اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر آن را قبل از اذان بگوید صحیح نیست.

**مسئله ۲۳۲-** بین جمله های اذان و اقامه نباید زیاد فاصله شود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.

**مسئله ۲۳۳-** اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می خواند، نباید برای خود اذان و اقامه بگوید.

**مسئله ۲۳۴-** اگر انسان برای خواندن نماز جماعت به مسجد برود و ببیند نماز جماعت تمام شده و برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته شده باشد، تا وقتی که صفها بهم نخورده و جمعیت متفرق نشده است، بنا بر احتیاط واجب نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

**مسئله ۲۳۵-** نماز مستحبی اذان و اقامه ندارد، همچنین نمازهای واجب دیگر غیر از نماز یومیّه.

### اعمال نماز

**مسئله ۲۳۶-** نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» شروع می شود و با سلام به پایان می رسد.

**مسئله ۲۳۷-** آنچه در نماز انجام می شود یا واجب است و یا مستحب.

**مسئله ۲۳۸-** واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است.

### واجبات نماز

نیت؛ تکبیرة الإحرام؛ قیام(ایستادن هنگام تکبیرة الإحرام و قیام متصل به رکوع، یعنی ایستادن پیش از رکوع)؛ رکوع؛ سجود؛ قرائت؛ ذکر؛ تشهد؛ سلام؛ ترتیب و موالات

### رکنهای نماز

نیت؛ تکبیرة الإحرام؛ قیام؛ رکوع؛ سجود.

### فرق بین رکن و غیر رکن

**مسئله ۲۳۹-** ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود و یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است؛ اما واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شود نماز باطل نمی شود؛ ولی اگر عمداً ترک شود، یا کم و زیاد شود، نماز باطل می شود.

### احکام واجبات نماز

#### نیت

**مسئله ۲۴۰-** نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می خواند و باید آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.

**مسئله ۲۴۱-** به زبان آوردن نیت در نماز و سایر عبادات، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.

**مسئله ۲۴۲-** نماز، باید از هر گونه ریا و خودنمایی به دور باشد، یعنی نماز را تنها برای انجام فرمان خداوند بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است. همچنین اگر قصد او خدا و ریا هر دو باشد باز هم باطل است.

**مسئله ۲۴۳-** کسی که شک دارد زمان و مهلت خواندن نماز واجب تمام شده یا نه می تواند به نیت «ما فی الذمه» (یعنی آنچه وظیفه اوست) بخواند.

#### تکبیرة الإحرام

**مسئله ۲۴۴-** همانگونه که گذشت نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» آغاز می شود و به آن «تکبیرة الإحرام» می گویند(چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده، بر نمازگزار حرام می شود، مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن و سخن گفتن).

**مسئله ۲۴۵-** «اللَّهُ أَكْبَرُ» مانند سایر ذکرهای نماز و حمد و سوره باید به عربی صحیح گفته شود و عربی غلط یا ترجمه آن کافی نیست.

**مسئله ۲۴۶-** مستحب است نمازگزار موقع گفتن تکبیرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز، دست‌ها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد (کف دست‌ها رو به قبله باشد).

### قیام

**مسئله ۲۴۷-** قیام؛ یعنی ایستادن. نمازگزار باید تکبیرة الاحرام و قرائت را در حال قیام و آرامش بدن بخواند.

**مسئله ۲۴۸-** اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید برخیزد و بایستد سپس به رکوع برود و پس از آن سجده‌ها را بجا آورد (این همان قیام متصل به رکوع است).

**مسئله ۲۴۹-** نمازگزار باید موقع ایستادن هردو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا مساوی باشد.

**مسئله ۲۵۰-** در موقع قیام نباید بدن و پاها را حرکت دهد و به طرفی خم شود یا به جایی تکیه کند، ولی اگر از روی ناچاری باشد، مانعی ندارد.

**مسئله ۲۵۱-** اگر پاها را بیش از اندازه گشاد بگذارد بطوری که از شکل ایستادن بیرون رود نمازش باطل است، مگر این که ناچار باشد.

**مسئله ۲۵۲-** کسی که به هیچ وجه حتی با تکیه کردن بر عصا یا دیوار نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشست، رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند. نخست به طرف راست رو به قبله و اگر نمی‌تواند روی طرف چپ و اگر نمی‌تواند به پشت بخوابد و صورت و سینه رو به آسمان و پاها رو به قبله باشد.

**مسئله ۲۵۳-** واجب است بعد از رکوع بطور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام از روی عمد ترک شود نماز باطل است.

### قرائت

**مسئله ۲۵۴-** در رکعت اول و دوم نمازهای روزانه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره کامل قرآن (مثلاً سوره توحید) را بخواند:

### سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\*

به نام خداوند بخشنده مهربان.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ستایش، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

بخشنده و مهربان است.

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

(خداوندی که) مالک روز جزاست.

«إِنَّاكَ نَعْبُدُ وَإِنَّاكَ نَسْتَعِينُ».

(پروردگارا) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.

«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

ما را به راه راست هدایت کن.

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ».

راه کسانی که به آنان نعمت دادی.

«غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ».

نه کسانی که مورد غضب واقع شده‌اند و نه گمراهان.

### سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\*

به نام خداوند بخشنده مهربان.

«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

بگو: او خداوند، یکتا و یگانه است.

«اللَّهُ الصَّمَدُ».

خداوند بی‌نیاز است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند.

\* «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُؤَلَدْ».

(هرگز) نژاد و زاده نشد.

\* «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است.

و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید فقط سوره حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.

### تسبیحات اربعه

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»

منزه است خدا و ستایش مخصوص خداست، و جز آفریدگار جهان معبودی نیست و خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

### احکام قرائت

**مسئله ۲۵۵-** مستحب است در رکعت اول نماز پیش از خواندن حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و نیز مستحب است حمد و سوره و ذکرهای نماز را شمرده بخواند و آیات را به هم نچسباند و مخصوصاً به معنای آنها توجه داشته باشد.

**مسئله ۲۵۶-** شایسته است در نمازها در رکعت اول سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و در رکعت دوم سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند و هیچ سوره ای را در هر دو رکعت تکرار نکند مگر سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و سزاوار نیست در تمام نمازهای شبانه روز سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را ترک کند.

**مسئله ۲۵۷-** در رکعت سوم و چهارم نماز باید حمد یا تسبیحات، آهسته خوانده شود.

**مسئله ۲۵۸-** تکبیر و حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را باید طوری بخواند که اگر مانعی در کار نباشد حداقل خودش آن را بشنود.

**مسئله ۲۵۹-** واجب است زنان حمد و سوره نماز «ظهر» و «عصر» را آهسته بخوانند، اما حمد و سوره نماز «صبح» و «مغرب» و «عشا» را می توانند بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدای آنها را بشنود، احتیاط مستحب آن است که آهسته بخوانند.

**مسئله ۲۶۰-** انسان باید مسائل و قرائت نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی تواند به طور کامل قرائت صحیح را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.

**مسئله ۲۶۱-** در تنگی وقت یا در جایی که ترس از دزد یا درنده ای باشد می توان سوره را ترک کرد و همچنین در جایی که عجله برای کار مهمی داشته باشد.

### رکوع

**مسئله ۲۶۲-** نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت حمد و سوره، باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می گویند. و واجب است در حال رکوع ذکر بگوید.

**مسئله ۲۶۳-** در رکوع، سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» خدای خود را، که بزرگ است، منزه می دانم و می ستایم» بگوید.

**مسئله ۲۶۴-** مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و در حال رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد، گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و میان دو قدم نگاه کند و بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد در حالی که بدن آرام است بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».

**مسئله ۲۶۵-** در موقع ذکر واجب باید بدن آرام باشد و برای ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکر رکوع می گوید آرام بودن بدن لازم است.

**مسئله ۲۶۶-** کسی که نمی تواند به اندازه رکوع خم شود اگر بتواند باید به چیزی تکیه کند و رکوع نماید و اگر آن هم ممکن نشود باید به هر اندازه که ممکن است خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود باید رکوع را به صورت نشسته انجام دهد و اگر آن هم ممکن نشود در حال ایستاده با سر اشاره می کند و اگر این را هم نتواند به نیت رکوع چشم ها را بر هم می گذارد و ذکر می گوید و به نیت برخاستن از رکوع چشم ها را باز می کند.

**مسئله ۲۶۷-** کسی که نماز نشسته می خواند برای رکوع باید بقدری خم شود که بگوید رکوع کرده است.

**مسئله ۲۶۸-** اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.

**مسئله ۲۶۹-** اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.

### سجود

**مسئله ۲۷۰-** نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده بجا آورد.

**مسئله ۲۷۱-** سجده آن است که اعضای هفتگانه، یعنی پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست)، را بر زمین بگذارد و در حال سجده واجب است ذکر بگوید.

**مسئله ۲۷۲-** در سجده سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ؛ خدای خود را، که از همه بالاتر است، منزه می دانم و می ستایم» بگوید.

**مسئله ۲۷۳-** در حال ذکر سجده، باید بدن آرام باشد.

**مسئله ۲۷۴-** اگر کسی پیش از آن که پیشانی او به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، نمازش باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره، ذکر بگوید.

**مسئله ۲۷۵-** نمازگزار باید بعد از تمام شدن ذکر سجده اول بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

**مسئله ۲۷۶-** اگر نمازگزار پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است.

**مسئله ۲۷۷-** اگر موقعی که ذکر سجده را می گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز او باطل می شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.

**مسئله ۲۷۸-** هرگاه پیشانی را سهواً بر جایی بگذارد که از محل زانوها یا انگشتان پا بیش از چهار انگشت بسته، پایین تر و بلندتر باشد، اگر بلندی به حدی است که به آن سجده نمی گویند باید سر را بردارد و روی چیزی بگذارد که بلندی آن از چهار انگشت بسته کمتر است. اما اگر بقدری است که به آن سجده می گویند واجب است پیشانی را از روی آن به روی چیزی بکشد که به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست، احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

**مسئله ۲۷۹-** سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ، چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحیح است همچنین بر آجر و سفال و سیمان نیز جایز است.

**مسئله ۲۸۰-** مستحب است سجده را طولانی کند و تسبیح و حمد و ذکر خدا گوید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و حاجات خود را از خداوند بخواهد و از دعاهای خوب و مناسب این دعا است: «يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» یعنی: «ای بهترین کسی که مردم از او حاجت می طلبند و ای بهترین بخشندگان، به من از فضل خودت روزی بده که تو دارای فضل عظیمی».

**مسئله ۲۸۱-** مستحب است در میان دو سجده هنگامی که بدن آرام است ذکر «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» را بگوید.

**مسئله ۲۸۲-** اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم به زمین برسد مانع ندارد.

**مسئله ۲۸۳-** نمازگزار باید در سجده پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می روید، ولی خوراکی و پوشاکی نباشد، مانند چوب و برگ درخت، قرار دهد.

**مسئله ۲۸۴-** سجده بر فلزات مانند طلا و نقره صحیح نیست، اما سجده بر سنگ های معدنی مانند سنگ مرمر و سنگ های سفید و سیاه و حتی عقیق اشکال ندارد.

**مسئله ۲۸۵-** سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه صحیح است.

**مسئله ۲۸۶-** سجده بر کاغذ، اگرچه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، صحیح است.

**مسئله ۲۸۷-** برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می باشد و بعد از آن بدین ترتیب:

الف) خاک پاک

ب) سنگ

ج) گیاه

**مسئله ۲۸۸-** اگر در سجده اول، مَهْر به پیشانی بچسبد و بدون این که مَهْر را بردارد دوباره به سجده رود نمازش اشکال دارد.



### وظیفه کسی که نمی تواند بطور معمول سجده کند

**مسئله ۲۸۹-** کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به اندازه ای که می تواند خم شود و مَهر را بر جای بلندی بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول بر زمین بگذارد.

**مسئله ۲۹۰-** اگر نمی تواند این کار را انجام دهد باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که قدری خم شود و مَهر را بلند کند و بر پیشانی بگذارد.

### سجده واجب قرآن

**مسئله ۲۹۱-** در چهار سوره قرآن، آیه سجده است؛ که اگر انسان آن آیه را بخواند یا به آن گوش فرا دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند، و اگر به گوشش بخورد احتیاط واجب سجده کردن است.

**مسئله ۲۹۲-** سوره هایی که آیه سجده دارد:

الف) سوره شماره ۳۲ = سوره سجده، آیه ۱۵.

ب) سوره شماره ۴۱ = سوره فُصِّلَتْ، آیه ۳۷.

ج) سوره شماره ۵۳ = سوره نجم، آیه ۶۲.

د) سوره شماره ۹۶ = سوره عَلَق، آیه ۱۹.

**مسئله ۲۹۳-** اگر سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.

**مسئله ۲۹۴-** اگر آیه سجده را از رادیو و ضبط صوت و مانند آن بشنود، بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

**مسئله ۲۹۵-** اگر آیه سجده را از مثل بلندگو که صدای انسان را می رساند بشنود، واجب است سجده کند.

**مسئله ۲۹۶-** گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، اما مستحب می باشد. مثلاً بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبُّ تَضَرُّعًا وَرِقًّا».

### تشهد

**مسئله ۲۹۷-** در رکعت دوم همه نمازها و رکعت آخر نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی نمازگزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ».

گواهی می دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی همتاست و شریک ندارد.

«وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ».

و گواهی می دهم که محمد (صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست.

### سلام

**مسئله ۲۹۸-** در رکعت آخر نماز، پس از تشهد باید سلام دهد و نماز را به پایان برساند.

**مسئله ۲۹۹-** سلام نماز به این صورت است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

درود و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.

«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

درود بر ما و بر بندگان صالح خدا.

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

درود بر شما (ای نمازگزاران و مؤمنان) و رحمت و برکات خدا بر شما.

و می تواند به سلام سوم قناعت کند.

### ترتیب

**مسئله ۳۰۰-** نماز باید به این ترتیب خوانده شود: تکبیرة الإحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد، و اگر به این ترتیب نخواهد مثلاً سجده را قبل از رکوع انجام دهد یا... نمازش باطل می شود.

### موالات

- مسئله ۳۰۱-** موالات؛ یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.
- مسئله ۳۰۲-** اگر کسی بقدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که از صورت نمازگزار خارج شود، نمازش باطل است.
- مسئله ۳۰۳-** طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را بهم نمی زند، بلکه سکوت زیاد موالات نماز را بهم می زند.

### قنوت

- مسئله ۳۰۴-** مستحب است در رکعت دوم نماز، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند؛ یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکر بخواند.
- مسئله ۳۰۵-** در قنوت هر دعایی بخواند کافی است و می تواند این دعا را بخواند:  
«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

### تعقیب نماز

- تعقیب یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز. در واقع تعقیب نماز آثار نماز را در وجود انسان عمیق تر می کند.
- مسئله ۳۰۶-** بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد.
- مسئله ۳۰۷-** لازم نیست تعقیب به عربی باشد، و معنای آن را نیز بفهمد؛ ولی بهتر است چیزهایی را که در کتاب دعا دستور داده اند بخواند.
- مسئله ۳۰۸-** از چیزهایی که برای تعقیب نماز زیاد سفارش شده، تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) است؛ یعنی گفتن: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».

### مبطلات نماز

- مسئله ۳۰۹-** آنگاه که نمازگزار، تکبیرة الإحرام می گوید و نماز را شروع می کند، تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر در نماز، یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل است، مثل:
۱. سخن گفتن.
  ۲. خندیدن.
  ۳. گریستن.
  ۴. روی از قبله برگرداندن.
  ۵. خوردن و آشامیدن.
  ۶. بر هم زدن صورت نماز.
  ۷. کم یا زیاد کردن ارکان نماز.

### احکام مبطلات نماز

#### سخن گفتن

- مسئله ۳۱۰-** اگر نمازگزار عمداً کلمه ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، اگرچه آن کلمه معنایی هم نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب نمازش باطل است.
- مسئله ۳۱۱-** اگر از روی فراموشی سخن بگوید؛ مثلاً متوجه نبود که در حال نماز است، نماز باطل نمی شود.
- مسئله ۳۱۲-** سرفه کردن و عطسه نمودن نماز را باطل نمی کند.
- مسئله ۳۱۳-** در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند واجب است جواب او را بدهد، و باید همان طور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلاً اگر گفته: «سلام علیکم» در جواب بگوید «سلام علیکم» و اگر گفته: «سلام»، بگوید: «سلام»، در غیر نماز نیز جواب سلام واجب است.

### فندیدن و گریستن

**مسئله ۳۱۴-** اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است. حتی اگر بی اختیار بخندد نیز نمازش باطل می شود.

**مسئله ۳۱۵-** لبخند زدن نماز را باطل نمی کند.

**مسئله ۳۱۶-** گریه کردن با صدا نماز را باطل می کند هر چند بی اختیار شود، بلکه بنا بر احتیاط واجب گریه بی صدا نیز نماز را باطل می کند. اینها در صورتی است که گریه از ترس خدا و برای آخرت نباشد و گرنه گریه از ترس خدا نه تنها نماز را باطل نمی کند بلکه از بهترین اعمال و از کارهای اولیای خداست.

### روی از قبله برگرداندن

**مسئله ۳۱۷-** اگر عمداً به قدری روی خود را از قبله برگرداند که نگویند رو به قبله است، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است.

**مسئله ۳۱۸-** اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند.

### نوردن و آشامیدن

**مسئله ۳۱۹-** اگر نمازگزار چیزی بخورد یا بیاشامد، نمازش باطل است.

**مسئله ۳۲۰-** اگر نمازگزار خرده غذایی را که در دهانش باقی مانده، فرو برد نمازش باطل نمی شود.

### بر هم زدن صورت نماز

**مسئله ۳۲۱-** اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هرچند از روی فراموشی باشد، نمازش باطل می شود.

**مسئله ۳۲۲-** اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.

### مواردی که شکستن نماز جایز است

**مسئله ۳۲۳-** رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است، بنا بر احتیاط واجب؛ مگر در حال ناچاری، مانند این موارد:

۱. حفظ جان خود یا دیگری.

۲. حفظ مال مهمتی از خود یا دیگری.

۳. جلوگیری از ضرر مالی و بدنی.

**مسئله ۳۲۴-** شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم، در صورتی که بعد از نماز دسترسی به او پیدا نمی کند، واجب است.

**مسئله ۳۲۵-** شکستن نماز برای مالی که اهمیتی چندانی ندارد مکروه است.

### مواردی که در نماز مکروه است

**مسئله ۳۲۶-** برخی از کارها در نماز مکروه است؛ مانند:

۱. برهم گذاشتن چشمها.

۲. بازی کردن با انگشتان و دستها و موی سر یا صورت.

۳. سکوت کردن برای شنیدن حرف کسی در هنگام خواندن حمد، یا سوره، و یا ذکر.

۴. هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.

۵. برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون زیاد آن نماز را باطل می کند).

### نماز مسافر

**مسئله ۳۴۳-** انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را شکسته، یعنی دو رکعت، بجا آورد؛ به شرط آن که مسافرتش (در رفت و برگشت) از هشت فرسخ کمتر نباشد. (هشت فرسخ شرعی در حدود ۴۳ کیلومتر است).

**مسئله ۳۴۴-** اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است؛ مثل وطن، حداقل چهار فرسخ می رود، و چهار فرسخ برمی گردد، نمازش در این سفر هم شکسته است.

**مسئله ۳۴۵-** کسی که به مسافرت می رود، زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حداقل به مقداری دور شود که اذان آنجا را نشنود، یا این که اهل آنجا او را نبینند و نشانه آن این است که او اهل آنجا را نبیند و چنانچه قبل از آن که به این مقدار دور شود، بخواند نماز بخواند، باید تمام بخواند.

**مسئله ۳۴۶-** اگر به جایی می رود که دو راه دارد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید نماز را چهار رکعتی بخواند.

### نماز جماعت

وحدت امت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام، به آن اهمیت بسیاری داده است، و برای حفظ و ادامه آن، برنامه های ویژه ای دارد؛ یکی از آنها نماز جماعت است. در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای تقوا و عدالت است پیشاپیش جمعیت می ایستد و دیگران در صفوفی منظم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را بجا می آورند. کسی که در این نماز دسته جمعی، پیشاپیش جمعیت می ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او، در نماز از او پیروی می کند «مأموم» است.

### اهمیت نماز جماعت

گذشته از آن که در روایات زیادی، برای نماز جماعت، اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در مضمون روایات اسلامی به اهمیت این عبادت پی می بریم، و در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

**مسئله ۳۷۲-** شرکت در نماز جماعت برای هر کسی مستحب است؛ به ویژه برای همسایه مسجد.

**مسئله ۳۷۳-** مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

**مسئله ۳۷۴-** نماز جماعت، هرچند اول وقت خوانده نشود، از نماز فرادای اول وقت بهتر است.

**مسئله ۳۷۵-** نماز جماعتی که مختصر خوانده می شود، از نماز فرادایی که آن را طول بدهد بهتر است.

**مسئله ۳۷۶-** سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

**مسئله ۳۷۷-** حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنائی به آن، جایز نیست.

### شرایط نماز جماعت

**مسئله ۳۷۸-** در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:

۱. مأموم از امام جلوتر نایستد، و احتیاط واجب آن است که، کمی عقب تر بایستد.
۲. جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین، بالاتر نباشد. (مقدار کم و سراسیمه مختصر مانعی ندارد).
۳. فاصله امام و مأموم و فاصله صف ها، زیاد نباشد، و احتیاط آن است که فاصله بیش از دو سه قدم نباشد.
۴. بین امام و مأموم و همچنین بین صف ها، چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده و مانند آن بین صف مردها و زنها اشکال ندارد.

**مسئله ۳۷۹-** مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و فضیلت و تقوا در صف اول بایستند.

**مسئله ۳۸۰-** امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را بطور صحیح بخواند.

### نماز آیات

**مسئله ۴۰۰-** یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب پیش آمدن این حوادث واجب می شود: زلزله، خسوف (ماه گرفتگی)، کسوف (خورشید گرفتگی)، و نیز رعد و برق شدید و وزیدن بادهای زرد و سرخ در صورتی که مایه وحشت اکثر مردم شود.

### چگونگی نماز آیات

**مسئله ۴۰۱-** نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت آن پنج رکوع دارد. قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می شود؛ یعنی در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می شود، ولی می توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می شود. در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می آوریم:

### رکعت اول

پس از تکبیرة الإحرام سوره حمد را بخواند و «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوید و به رکوع رود. سپس بایستد و بگوید: «قل هو الله احد» و به رکوع رود. بار دیگر بایستد و بگوید: «الله الصمد» و به رکوع رود. سر از رکوع بردارد و بگوید: «لم یلد و لم یولد» و به رکوع رود. از رکوع سر بردارد و بگوید: «و لم یکن له کفو احد» و به رکوع رود. و بعد از سر برداشتن از رکوع به سجده رود و پس از انجام دو سجده برای رکعت دوم برخیزد و در همه رکوعها ذکر رکوع مطابق معمول گفته شود.

### رکعت دوم

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول بجا می آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می برد.

### احکام نماز آیات

**مسئله ۴۰۲-** اگر یکی از سبب های نماز آیات فقط در شهری اتفاق بیفتد، مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.

**مسئله ۴۰۳-** اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره راتقسیم کند صحیح است.

**مسئله ۴۰۴-** قنوت در نماز آیات مستحب است و اگر یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.

**مسئله ۴۰۵-** هر یک از رکوع های نماز آیات، رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

**مسئله ۴۰۶-** نماز آیات را می توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره ها را تنها امام جماعت می خواند.

### نگاه کردن

یکی از نعمت های خداداد، قدرت بینایی است، انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقی خود و هموعانش استفاده کند، و آن را از نگاه به نامحرمان باز دارد، گرچه نگاه به طبیعت و زیبایی های آن، اشکال ندارد، ولی نگاه به دیگران، احکام خاصی دارد که در اینجا به برخی از آنها می پردازیم:

### مَحْرَم و نَامَحْرَم

**مسئله ۵۲۰-** محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و نگاه به او اشکالی ندارد.

**مسئله ۵۲۱-** افراد زیر به خاطر رابطه نسبی بر دخترها و زنان محرمند:

الف) پدر و پدربزرگ.

ب) پسر و پسر فرزند(نوه).

ج) برادر

د) خواهرزاده (پسر خواهر).

هـ) برادرزاده (پسر برادر).

و) عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش).

ز) دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش).

و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر دخترها و بانوان محرم می شوند، از جمله آنهاست:

الف) شوهر.

ب) پدر شوهر و پدربزرگ شوهر.

ج) شوهر دختر (داماد).

شوهر خواهر و برادرشوهر محرم نیستند، همچنین شوهر عمه و شوهر خاله.

بجز افرادی که بیان شد ممکن است کسان دیگری نیز به سبب ازدواج، با شرایط خاصی بر یکدیگر محرم شوند که در کتابهای مفصل فقهی آمده است.

**مسئله ۵۲۲-** اگر زنی با شرایطی که در کتابهای فقهی آمده است، بچه ای را شیر دهد، آن بچه بر آن زن و افراد دیگر محرم می‌شود.

### نگاه به دیگران

**مسئله ۵۲۳-** بجز زن و شوهر، نگاه کردن هر انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه زن به زن دیگر، و یا غیر همجنس باشد مانند نگاه زن به مرد، و خواه از محارم باشد و یا غیرمحارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.

**مسئله ۵۲۴-** دخترها و بانوان می‌توانند بدون قصد لذت به سر و صورت و گردن مرد نامحرم به مقداری که به طور متعارف نمی‌پوشانند، نگاه کنند.

**مسئله ۵۲۵-** شنیدن صدای نامحرم در صورتی که به قصد لذت نباشد و سبب افتادن در گناه نشود اشکالی ندارد.

الف) پاک باشد. (نجس نباشد)

ب) مباح باشد. (غصبی نباشد)

ج) از اجزای مردار نباشد؛ حتی کمر بند و کلاه، ولی اگر آن را سر بریده باشند، هر چند مطابق دستور اسلام نباشد، پاک است و می‌توان در آن نماز خواند.

د) از حیوان حرام گوشت نباشد، مثلاً از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد.

## بخش دوم:

### از رساله اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای

#### مرجعیت و رهبری

س ۵۲: در صورت تعارض فتوای ولی امر مسلمین با فتوای مرجعی در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وظیفه شرعی مسلمانان چیست؟ آیا معیاری برای تفکیک احکام صادره از طرف مراجع تقلید و ولی فقیه وجود دارد؟ مثلاً اگر نظر مرجع تقلید با نظر ولی فقیه در مسأله موسیقی اختلاف داشته باشد، متابعت از کدامیک از آنان واجب و مجزی است؟ به طور کلی احکام حکومتی که در آن نظر ولی فقیه بر فتوای مراجع تقلید برتری دارد، کدام است؟

ج: در مسائل مربوط به اداره کشور اسلامی و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، نظر ولی امر مسلمین باید اطاعت شود. ولی در مسائل فردی محض، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

س ۵۴: اگر مقلد یکی از مراجع باشم و در این حال ولی امر مسلمین اعلان جنگ یا جهاد بر ضد کفار ظالم نماید و مرجع تقلید من اجازه شرکت در جنگ را ندهد، آیا ملزم به رعایت نظر وی هستیم؟

ج: در مسائل عمومی جامعه اسلامی که یکی از آنها دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز است، اطاعت از حکم ولی امر مسلمین واجب است.

س ۵۵: حکم یا فتوای ولی امر مسلمانان تا چه حد قابل اجرا می‌باشد؟ و در صورت تعارض با رأی مرجع تقلید اعلم، کدامیک مقدم است؟

ج: اطاعت از حکم ولی فقیه بر همگان واجب است و فتوای مرجع تقلید نمی‌تواند با آن معارضه کند.

#### ولایت فقیه و حکم حاکم

س ۵۶: آیا اعتقاد به اصل ولایت فقیه از جهت مفهوم و مصداق یک امر عقلی است یا شرعی؟

ج: ولایت فقیه که عبارت است از حکومت فقیه عادل و دین‌شناس حکم شرعی تعبدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلایی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

س ۵۷: آیا احکام شرعی در صورتی که ولی امر مسلمین به دلیل مصالح عمومی مسلمانان، برخلاف آنها حکم نماید، قابل تغییر و تعطیل است؟  
ج: موارد این مسأله مختلف است.

س ۵۸: آیا رسانه‌های گروهی در نظام حکومت اسلامی باید تحت نظارت ولی فقیه یا حوزه‌های علمیه و یا نهاد دیگری باشند؟

ج: اداره رسانه‌های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کار گمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال اینگونه امور از آن استفاده شود.

س ۵۹: آیا کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، مسلمان حقیقی محسوب می‌شود؟  
ج: عدم اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت «ارواحنا فداه» موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود.

س ۶۰: آیا ولی فقیه ولایتی دارد که بر اساس آن بتواند احکام دینی را به هر دلیلی مانند مصلحت عمومی، نسخ نماید؟

ج: بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امکان نسخ احکام دین اسلام وجود ندارد، و تغییر موضوع یا پیدایش حالت ضرورت و اضطرار یا وجود مانع موقتی برای اجرای حکم، نسخ محسوب نمی‌شود.

س ۶۱: وظیفه ما در برابر کسانی که اعتقادی به ولایت فقیه جز در امور حسبیه ندارند، با توجه به اینکه بعضی از نمایندگان آنان این دیدگاه را ترویج می‌کنند، چیست؟

ج: ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقّه اثنی‌عشری است که ریشه در اصل امامت دارد، اگر کسی به نظر

خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

س ۶۲: آیا اوامر ولی فقیه برای همه مسلمانان الزام آور است یا فقط مقلدین او ملزم به اطاعت هستند؟ آیا بر کسی که مقلد مرجعی است که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، اطاعت از ولی فقیه واجب است یا خیر؟

ج: بر اساس مذهب شیعه همه مسلمانان باید از اوامر ولایتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند، و این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود، چه رسد به مقلدین آنان. به نظر ما التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام به اسلام و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام نیست.

س ۶۳: آیا همانگونه که بقاء بر تقلید از میت بنا بر فتوای فقها باید با اجازه مجتهد زنده باشد، اوامر و احکام شرعی حکومتی هم که از رهبر متوفی صادر شده است، برای استمرار و نافذ بودن احتیاج به اذن رهبر زنده دارد یا این که بدون اذن رهبر زنده هم خود به خود از قابلیت اجرایی برخوردار است؟

ج: احکام ولایتی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

س ۶۴: آیا بر فقیه‌ای که در کشور جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کند و اعتقادی به ولایت مطلقه فقیه ندارد، اطاعت از دستورات ولی فقیه واجب است؟ و اگر با ولی فقیه مخالفت نماید فاسق محسوب می‌شود؟ و در صورتی که فقیهی اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه دارد ولی خود را از او شایسته‌تر به مقام ولایت می‌داند، اگر با اوامر فقیه‌ای که متصدی مقام ولایت امر است مخالفت نماید، فاسق است؟

ج: اطاعت از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین بر هر مکلفی ولو این که فقیه باشد، واجب است. و برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته‌تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راههای قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد. ولی در غیر این صورت، مسأله به طور کلی تفاوت خواهد کرد.

س ۶۶: آیا مجتهد جامع الشرائط در عصر غیبت ولایت بر اجرای حدود دارد؟  
ج: اجرای حدود در زمان غیبت هم واجب است و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

س ۶۷: آیا ولایت فقیه یک مسأله تقلیدی است یا اعتقادی؟ و کسی که به آن اعتقاد ندارد چه حکمی دارد؟

ج: ولایت فقیه از شئون ولایت و امامت است که از اصول مذهب می‌باشد. با این تفاوت که احکام مربوط به ولایت فقیه مانند سایر احکام فقهی از دله شرعی استنباط می‌شوند و کسی که به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم پذیرش ولایت فقیه رسیده، معذور است.

س ۶۸: گاهی از بعضی از مسئولین، مسأله‌ای به عنوان «ولایت اداری» شنیده می‌شود که به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض است. نظر جنابعالی در این باره چیست؟ و وظیفه شرعی ما کدام است؟

ج: مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد، جایز نیست. ولی در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری وجود ندارد.

س ۶۹: آیا اطاعت از دستورات نماینده ولی فقیه در مواردی که داخل در قلمرو نمایندگی اوست، واجب است؟

ج: اگر دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است، صادر کرده باشد، مخالفت با آنها جایز نیست.

### لباس شهرت و احکام پوشش

س ۱۳۶۱: معیار لباس شهرت چیست؟

ج: لباس شهرت لباسی است که پوشیدن آن برای شخص، بخاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و علل دیگر مناسب نیست، بطوری که اگر آن را در برابر مردم بیوشد توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می‌شود.

س ۱۳۶۹: فروش لباس‌های زنانه داخلی توسط مردان چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب ترتب مفاسد اخلاقی و اجتماعی نباشد، اشکال ندارد.

س ۱۳۷۰: آیا بافندگی و خرید و فروش جوراب نازک شرعا جایز است؟  
ج: اگر تولید و خرید و فروش آن به قصد پوشیدن زنان در برابر مردان اجنبی نباشد، اشکال ندارد.

س ۱۳۷۱: آیا جایز است افرادی که ازدواج نکرده‌اند با رعایت موازین شرعی و آداب اخلاقی، در فروشگاه‌های لباس‌های زنانه و وسایل آرایش کار کنند؟

ج: جواز کار کردن و کسب درآمد حلال شرعا مختص گروه خاصی از مردم نیست بلکه هر کس که موازین و آداب اسلامی را رعایت کند حق آن را دارد، ولی اگر برای دادن پروانه تجاری یا اجازه کار از طرف ادارات و نهادهای مسئول بخاطر رعایت مصالح عمومی برای بعضی از مشاغل شرایط خاصی وضع شده باشد باید مراعات شود.

### تقلید از فرهنگ غرب (تشبه به کفار و ترویج فرهنگ آنان)

س ۱۳۷۳: آیا پوشیدن لباس‌هایی که بر روی آن حروف و تصاویر خارجی چاپ شده، جایز است و آیا این لباسها ترویج فرهنگ غربی محسوب می‌شوند؟

ج: اگر مفاسد اجتماعی نداشته باشند پوشیدن آنها فی‌نفسه اشکال ندارد و اما اینکه ترویج فرهنگ غربی معارض با فرهنگ اسلامی محسوب می‌شود یا خیر، موکول به نظر عرف است.  
س ۱۳۷۴: امروزه وارد کردن لباس‌های خارجی و خرید و فروش و استفاده از آنها در داخل شهرها متداول شده است، با توجه به افزایش تهاجم فرهنگی غرب به انقلاب اسلامی، این کار چه حکمی دارد؟

ج: واردات و خرید و فروش و استفاده از آنها به مجرد اینکه از کشورهای غیر اسلامی وارد شده‌اند، اشکال ندارد، ولی آنچه که پوشیدن آن با عفت و اخلاق اسلامی منافات داشته باشد و یا ترویج فرهنگ غربی که دشمن فرهنگ اسلامی است، محسوب می‌شود، واردات و خرید و فروش و پوشیدن آن جایز نیست و در این مورد باید به مسئولین مربوطه مراجعه شود تا از آن جلوگیری کنند.

س ۱۳۷۵: تقلید از مدهای غربی در کوتاه کردن مو چه حکمی دارد؟



ج: معیارهای حرمت در این موارد، شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنهاست و این موضوع با توجه به کشورها و زمانها و اشخاص مختلف، فرق می‌کند و این امر مختص به غرب هم نمی‌باشد.

س ۱۳۷۷: پوشیدن لباس آمریکایی چه حکمی دارد؟

ج: پوشیدن لباس‌هایی که توسط دولت‌های استعماری تولید شده‌اند، از این جهت که ساخت دشمنان اسلام است، فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر این کار مستلزم ترویج فرهنگ غیراسلامی دشمن باشد و یا باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی شود و یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد، دارای اشکال است و حتی در بعضی از موارد جایز نیست.

س ۱۳۸۰: فروش کلیه عکس‌ها و کتابها و مجلاتی که بطور آشکار مشتمل بر امور قبیح و مبتذل نیستند ولی بطور ضمنی باعث ایجاد جو فرهنگی فاسد و غیر اسلامی بخصوص در بین جوانان می‌شوند، چه حکمی دارد؟

ج: خرید و فروش و ترویج اموری از این قبیل که منجر به انحراف جوانان و فساد آنان و باعث پیدایش جو فرهنگی فاسدی می‌شوند، جایز نیست و واجب است از آنها اجتناب شود.

س ۱۳۸۲: بعضی از مسلمانان عیدهای مسیحیان را جشن می‌گیرند، آیا این کار اشکال ندارد؟ ج: جشن گرفتن میلاد حضرت عیسی مسیح «علی نبینا و آله و علیه السلام» اشکال ندارد.

## بخش سوم:

### احکام خاص دختران<sup>۱</sup>

رساله مراجع تقلید وسیله‌ای است که به کمک آن احکام خدا را می‌شناسیم. در رساله‌ها احکام طهارت، نجاست وضو، غسل، تیمم، نماز، روزه و بسیاری از مسائل دیگر مطرح شده است. اما یکی از مسائلی که دختران عزیز هر ماه با آن روبرو هستند مسئله حیض یا عادت ماهانه دختران است. این مسئله با اینکه خیلی مهم است ولی کمتر مورد توجه واقع می‌شود و مادران، معلمان و دختران کمتر در مورد آن صحبت می‌کنند. در حالی که دختران و زنان نیاز دارند که تکلیف خود را در این زمان بدانند. برای همین این جزوه آماده شده است تا دختران عزیز بتوانند به راحتی با احکام این دوران آشنا شوند. در ابتدا لازم است تا کلیاتی در مورد احکام خاص دختران و جزوه حاضر بیان شود.

۱- اگر چه احکام خاص دختران در رساله‌ها در لایه لای احکام دیگر آمده است اما چون به طور مجزا بیان نشده‌اند و گاهی نیز با ادبیات فقهی نوشته شده‌اند، ممکن است دختران نتوانند آنها را کامل متوجه شده یا بکار گیرند؛ لذا در این جزوه سعی شده است مطالب مخصوص و ضروری دختران، به صورت کامل، صریح، با بیان ساده و بدون پرده به صورت خلاصه بیان شوند تا دختران بتوانند ضمن درک کامل احکام، آنها را به صورت کاربردی آموزش ببینند. بیان صریح بعضی مسائل اگر چه ممکن است گاهی سخت باشد اما به دلیل اهمیت فراوان و آسیب‌های جدی ناشی از عدم وضوح این احکام، ضرورت بیان صریح و بدون پرده را غیرقابل انکار می‌نماید.

۲- منظور از احکام خاص دختران، معرفی و بیان احکام خون‌هایی است که ممکن است دختران ببینند این خون‌ها که از رحم<sup>۲</sup> بیرون می‌ریزد و از طریق واژن<sup>۳</sup> خارج می‌شود یا خون زخم یا خون حیض و یا خون استحاضه می‌باشد.

۱- تهیه شده توسط لیلا ثمنی و حسنیه کتابدار

۲- رحم: قسمتی کیسه ای مانند است که فقط در بدن خانم‌ها قرار دارد و کیسه جنین در آن قرار گرفته و رشد می‌کند.

۳- واژن: منظور از واژن مجرای لوله ای مانند است که رحم را به بیرون بدن متصل می‌نماید و غیراز مجرای بول و غلظت است.

۳- منشأ خونریزی در دختران گاهی زخم و جوش موجود در رحم یا واژن است، که در این صورت مثل خون زخم دیگر قسمت‌های بدن است. یعنی حکم خاصی ندارد بلکه مثل خون بقیه زخم‌ها، برای نماز و دیگر عبادات اگر ممکن است باید آب کشی شود و جلوی بیرون آمدن آن گرفته شود.

۴- گاهی منشأ خونریزی در دختران تغییرات هورمونی است که موجب ریزش خون از دیواره رحم می‌شود. این ریزش که به طور معمول در هر ماه یک بار اتفاق می‌افتد خون حیض است که به آن، عادت ماهانه یا پرید نیز گفته می‌شود. خون حیض شرایط و احکامی دارد که بیان خواهد شد.

۵- اگر خونی که دختر می‌بیند زخم نبوده و حیض هم نباشد، خون استحاضه است. باتوجه به اینکه خون زخم حکم خاصی ندارد، در این جزوه ابتدا خون حیض و سپس خون استحاضه بیان شده‌اند. در هر دو قسمت نیز به بیان تعریف، شرایط، صفت و احکام آن پرداخته شده است.

#### اول : خون حیض

خونی که دختران بعد از سن بلوغ می‌بینند حیض است که شرایطی دارد. خون حیض حداقل سه روز و حداکثر ده روز است. در خون حیض شرط است که با حیض قبلی حداقل ده روز فاصله داشته باشد و سه روز اول آن استمرار داشته باشد.

#### نشانه های بلوغ دختران چیست؟

- تمام شدن نه سال قمری<sup>۱</sup>

#### نحوه محاسبه روز در حیض چگونه است ؟

فاصله بین طلوع فجر تا مغرب (اذان صبح تا اذان مغرب) را یک روز می‌گویند. حال اگر زنی ساعاتی بعد از طلوع فجر (اذان صبح) خون ببیند فردای آن روز در همان مقدار ساعت

که از اذان گذشته، یک روز او کامل می‌گردد. به این نحوه محاسبه، محاسبه تلفیقی گفته می‌شود. و اگر زنی در شب حیض شود، اذان مغرب فردا، یک روز او تمام می‌شود.

#### منظور از اقل پاکی چیست؟

اقل پاکی به معنای کمترین مدت پاکی است. در اینجا منظور از اقل پاکی این است که فاصله دو حیض حداقل باید ۱۰ روز باشد. بنابراین مثلاً اگر کسی ۷ روز بعد از حیض، دوباره خون ببیند، آن خون دوم حیض نیست حتی اگر تمام شرایط دیگر خون حیض را داشته باشد.

#### منظور از استمرار سه روز اول چیست؟

یکی از شرایط مهم خون حیض این است که در سه روز اول استمرار داشته باشد. یعنی در سه روز اول حیض، به طور مرتب داخل واژن آلوده به خون باشد، ولو به مقدار کم باشد و بیرون نیاید. در واقع همین که داخل، خون یا ترشحاتی از خون (مثل خونابه، رگه خونی، زردآبه یا ...) باشد به گونه ای که گفته شود به طور دائم واژن آلوده به خون بوده است، کفایت می‌کند. در غیر این صورت اگر در بین سه روز گاهی این خون قطع شده باشد و واژن پاک شود، این خون حیض نیست.

**سؤال دوم:** اگر دختری سه روز پی در پی خون ببیند و بعد از چند روز پاکی دوباره چند روز خون ببیند و مجموع خون ها و پاکی وسط، از ده روز بیشتر نشود روزهای پاکی چه حکمی دارد؟

**جواب:** آیت الله خامنه ای: پاکی های وسط در حکم حیض است.

**آیت الله مکارم :** پاکی های وسط جزء حیض نیست و در حکم پاک است. لذا باید غسل نموده و اعمال پاک را انجام دهد تا وقتی که دوباره خون ببیند.

<sup>۱</sup> - ۹ سال قمری معادل ۸ سال و ۲۳ روز شمسی می باشد.

### اقسام حائض ؟

حائض به کسی گفته می‌شود که حیض شده است. حائض چند حال دارد : یا صاحب عادت مشخصی است که به سه قسم وقتیه، عددیه، و قتیبه عدیبه تقسیم می‌شود. دسته دوم کسانی هستند که عادت مشخصی ندارند که به سه دسته مبتدئه، ناسیه و مضطربه تقسیم می‌شوند :

۱- مبتدئه: به خانمی گفته می‌شود که اولین بار است که خون حیض می‌بیند.

۲- ناسیه : به خانمی گفته می‌شود که عادت خود را فراموش کرده است.

۳- مضطربه : به خانمی گفته می‌شود که هیچ عادت مشخصی ندارد و شروع و اتمام حیض او در هر ماه مختلف است. مثلاً یک ماه ۵ روزه و یک ماه ۷ روزه حیض می‌شود و حیضش عدد مشخصی ندارد. یا مثلاً یک ماه دوم ماه حیضش شروع می‌شود و ماه دیگر هشتم ماه حیضش شروع می‌شود، یعنی شروع حیضش وقت مشخصی ندارد.

۴- صاحب عادت وقتیه : کسی که می‌داند شروع حیضش چه زمانی است و در واقع شروع حیض خود را می‌تواند دقیق پیش بینی نماید. اگر چه زمان پاک شدن خود را نمی‌داند یعنی نمی‌داند چند روز حیضش طول می‌کشد.

۵- صاحب عادت عددیه: کسی که نمی‌داند حیض او چه زمانی شروع می‌شود اما به طور دقیق می‌داند که چه زمانی تمام می‌شود. چنین کسی دارای عادت عددیه است یعنی عدد روزهای حیضش را می‌داند.

۶- صاحب عادت وقتیه و عددیه : خانمی است که هم شروع عادتش و هم پایان آن را به طور دقیق دانسته و می‌تواند پیش بینی نماید.

### راه های تحقق عادت وقتیه چیست ؟

عادت وقتیه یعنی، شروع حیض دارای وقت معینی باشد. حال برای اینکه بتوان گفت شخصی دارای عادت وقتیه است باید یکی از سه حالت زیر را داشته باشد :

۱- در دو ماه پشت هم فاصله شروع دو حیض او عدد مشخصی باشد. مثلاً فاصله شروع دو حیض او ۲۵ روز باشد یعنی ۲۵ روز بعد از شروع حیض ماه قبل، حیض می‌شود.

۲- در دو ماه پشت هم پاکی وسط دو حیض او عدد منظمی باشد. مثلاً بعد از هر بیست روز پاکی حیض بعدی شروع می‌شود.

۳- در دو ماه پشت هم زمان حیض شدن یکی باشد. مثلاً هر ماه صبح روز پنجم ماه، حیضش شروع می‌شود.

در این سه حالت، دختر می‌تواند پیش بینی کند که در چه زمانی حیض او شروع می‌شود که به او صاحب عادت وقتیه گفته می‌شود.

### معیار تحقق عادت عددیه

اگر تعداد روزهای حیض در دو بار پشت هم، به یک اندازه شود، عادت عددیه محقق می‌شود.

### معیار به هم خوردن عادت چیست؟

اگر کسی که صاحب عادت است یکبار برخلاف عادت قبلی خون ببیند، عادت او هنوز از بین نرفته است. اما اگر کسی که صاحب عادت است، دوبار بر خلاف عادت قبلی خون ببیند، دو حالت دارد:

الف) اگر در هر دو بار یک شکل بود، عادت او هنوز از بین نرفته است.

ب) اگر این دو بار مختلف بود، روشن نیست مگر بیش از دو بار باشد که عرفاً بگویند این خانم عادت معینی ندارد. که در این صورت مضطربه خواهد شد.

سؤال: آیا برای تحقق عادت وقتیه و عددیه تساوی دو حیض از جهت زمانی معتبر می‌باشد؟

مثلاً آیا لازم است ماه اول ساعت هشت صبح و پایان آن ساعت هشت صبح روز هشتم ماه و ماه دوم هم بدین گونه باشد (یعنی دو ماه پشت هم سر یک ساعت از یک روز معین و به تعداد روز معین باید باشد؟) تا بگویند صاحب عادت است؟

**جواب:** گرچه برای تحقق عادت وقتیّه و عددیه تساوی دو حیض از نظر عدد و وقت معتبر است، ولی تفاوت کم، همچون یکی دو ساعت مضرّ به آن نمی‌باشد.

**ملاک تشخیص حیض در ابتدا؟**

**اول)** میزان، رجوع به عادت وقتیّه است اگر خون در ایام عادت دیده شود، در اینجا به مجرد دیدن خون، حیض است. اگر چه نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به وظیفه حائض عمل کند.

**دوم)** اگر عادت وقتیّه نداشت یعنی در چهار صورت دیگر (عددیه، مبتدئه، مضطربه و ناسیه) باید به صفات و علائم رجوع کند. اگر خون صفات حیض را داشت از اول حیض قرار دهد و گرنه باید تا سه روز بین کارهایی که مستحاضه انجام می‌دهد و کارهایی که خانم حائض باید ترک کند، جمع نماید.

**صفات خون حیض و استحاضه کدام است؟**

خون حیض غالباً ۱- قرمز مایل به سیاه یا قرمز روشن ۲- گرم ۳- غلیظ ۴- با فشار و سوزش می‌باشد. ولی خون استحاضه غالباً ۱- زرد رنگ ۲- سرد ۳- رقیق ۴- بدون فشار و سوزش می‌باشد.

البته این صفات غالبی است و نه دائمی؛ یعنی در بیشتر موارد، خون حیض این صفات را دارد پس ممکن است خونی حیض باشد و هیچ یک از این صفات را نداشته باشد یا فقط یکی از این صفات را داشته باشد یا حتی صفات استحاضه را داشته باشد.

به طور کلی صفات وقتی کاری دارد که برای تشخیص حیض دچار مشکل شده و از طریق عادت نمی‌توان حیض را تشخیص داد. در این صورت ممکن است بتوان از طریق صفات خون، نوع آن را تشخیص داد.

**حکم لکه های منقطع در ادامه عادت عددیه چیست؟**

خانمی که صاحب عادت عددیه است اگر بعد از اتمام عددش، هنوز خون یا لکه خونی می‌بیند اگر تا روز دهم پاک شود، همه خون‌ها حیض است و این ماه به دلایلی عادتش

بهم خورده است. اما اگر بعد از ده روز همچنان لکه بینی ادامه داشته باشد، فقط به همان اندازه ایام عادتش حیض است و بقیه استحاضه است.

**سؤال:** خانمی (که شک داشته حیض شده یا نه) به علت ندانستن حکم اختیار در سه روز اول حیض، شک می‌کند که آیا در این سه روز خون‌ها اتصال داشته یا نه، وظیفه او چیست؟

**جواب:** آیت الله خامنه‌ای: نمازهای روزهای گذشته را اگر نخوانده قضا کند و نسبت به آینده هم عمل به احتیاط کند یعنی بین تروک حائض و اعمال مستحاضه<sup>۱</sup> جمع نماید.

**محرمات حائض کدام است؟**

- ۱- عبادات مشروط به طهارت (نماز، روزه، طواف و اعتکاف)
- ۲- مس اسم‌های خداوند، خط قرآن و بنابر احتیاط واجب اسامی معصومین علیهم‌السلام
- ۳- داخل شدن به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
- ۴- توقف در سائر مساجد و حرم ائمه علیهم‌السلام
- ۵- خواندن آیه‌هایی که سجده واجب دارند که آنها در ۴ سوره هستند؛ فصلت، سجده، حم، علق
- ۶- گذاشتن چیزی در مسجد

نمازهای یومیّه فوت شده از خانم حائض در صورتی که در تمام وقت نماز، حائض باشد، قضا ندارد. روزه‌های ماه مبارک که از زن حائض فوت شده، قضا دارد.

\* داخل شدن حائض به رواق‌های حرم امامان علیهم‌السلام چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه‌ای: داخل شدن در رواق‌هایی که به وسیله در از حرم (فضایی که ضریح مطهر در آن می‌باشد) جدا شده و متصل به فضای ضریح مطهر نمی‌باشد، اشکال ندارد. البته رفتن در زیر زمین حرم بلامانع است.

\* آیا خواندن سوره‌های سجده دار و آیه‌ای از آنها برای حائض حرام است؟

<sup>۱</sup> - یعنی با اعمال استحاضه، عباداتش را انجام دهد و محرمات حائض را نیز ترک نماید.

امام خمینی: خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد؛ حرام است و اگر یک حرف از این چهار سوره حتی حرفی از «بسم الله الرحمن الرحیم» را نیز بخواند، حرام می‌باشد.

آیت الله خامنه‌ای: خواندن خصوص آیات سجده واجب، حرام است، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.

\* وظیفه حائض در به جا آوردن نماز آیات به واسطه خسوف و کسوف چیست؟

اگر در حال حیض، خسوف یا کسوف اتفاق بیفتد و تا باز شدن ماه و خورشید حیض ادامه داشته باشد، نماز آیات بر او واجب نیست.

\* حکم قرائت قرآن غیر از سوره عزائم، برای حائض، در وقت نماز و غیر آن، چیست؟

به غیر از آیات سجده از سوره عزائم که قرائتش بر حائض حرام است، قرائت قرآن در غیر وقت نماز برای او مکروه است یعنی ثوابش کمتر از مواقع پاکی است. ولی در اوقات نمازهای کامل مکروه نبوده و ثواب کامل را دارد.

### دوم: خون استحاضه

#### استحاضه چیست؟

هر خونی که از رحم خانم خارج شده باشد در صورتی که از زخم نباشد و شرایط حیض و نفاس را نیز نداشته باشد خون استحاضه است و خانم را در هنگام دیدن خون استحاضه مستحاضه می‌گویند و خون استحاضه ممکن است یک لحظه یا بیشتر از ده روز باشد.

#### اقسام خون استحاضه

۱- قلیله  
۲- متوسطه  
۳- کثیره

استحاضه قلیله در حکم حدث اصغر است. بنابراین مستحاضه قلیله باید برای هر کاری که در آن طهارت شرط است. جداگانه وضو بگیرد. استحاضه متوسطه و کثیره در حکم حدث اکبر هستند یعنی رفع آنها نیاز به غسل دارد.

#### تشخیص نوع استحاضه

برای تشخیص نوع استحاضه لازم است ابتدا مقدار کمی پنبه<sup>۱</sup> را در دهانه واژن قرار داده و پس از مدت کمی، پنبه را خارج نماید، اگر:

۱- خون فقط ظاهر پنبه را آلوده کرده و در آن فرو نرفته است، استحاضه قلیله است.

۲- اگر خون داخل پنبه فرو رفته و نفوذ کرده و از طرف دیگر پنبه ظاهر شود، استحاضه متوسطه است.

۳- اگر خون از پنبه بیرون زده و به دستمال یا لباس جاری شود، استحاضه کثیره است. لازم به ذکر است بعضی مراجع مثل آیت الله مکارم، اقسام استحاضه را فقط قلیله و کثیره می‌دانند که در این صورت متوسطه حکم قلیله را دارد.

#### وظیفه مستحاضه قلیله برای نماز

- ۱- ظاهر بدن را اگر خون به آن رسیده پاک کند(آب بکشد).
- ۲- واجب است اگر ضرر ندارد، تحفظ نماید یعنی مانع خروج خون شود به این صورت که پنبه یا دستمالی را برای جلوگیری از خروج خون در دهانه واژن قرار دهد.
- ۳- بنابر احتیاط واجب، برای هر نماز پنبه تحفظ را عوض کند.
- ۴- برای هر نماز، یک وضوی جداگانه بگیرد اگرچه فقط داخل آلوده باشد و در لباس چیزی نباشد.
- ۵- بلافاصله بعد از وضو، نماز بخواند.

#### وظیفه مستحاضه متوسطه برای نماز

- ۱- اعمال مستحاضه قلیله را انجام دهد(طهارت ظاهر فرج، تحفظ، وضو، عدم فاصله بین وضو و نماز)

۱- در اینجا پنبه موضوعیت دارد زیرا پنبه مقدار واقعی خون را نشان می‌دهد ولی دستمال کاغذی یا پارچه خون را جذب کرده و مقدار واقعی را نشان نمی‌دهند.

- ۲- اگر ضرر ندارد پیش از غسل و بعد از آن از خروج خون جلوگیری نماید.
- ۳- بهتر است وضو را قبل از غسل بگیرد.
- ۴- برای اولین نمازی که متوسطه است یک غسل انجام دهد و در صورتی که در تمام روز متوسطه است، آن غسل برای آن روز کافی است و از فردا هر روز برای نماز صبح (بعد از اذان صبح) یک غسل انجام دهد.
- ۵- اما در صورتی که نوع استحاضه او در تغییر است، مثلاً در طول روز قلیله است اما گاهی ریزش متوسطه دارد، باید برای اولین نماز بعد از متوسطه شدن، غسل نماید و بلافاصله بعد از وضو و غسل نمازش را بخواند. حال اگر این تغییرات میان نمازهای سه وعده اتفاق بیفتد باید سه بار غسل نماید.

#### وظیفه مستحاضه کثیره برای نماز

- ۱- ظاهر فرج را اگر خون به آن رسیده آب بکشد.
- ۲- اگر ضرر ندارد تحفظ نماید یعنی پیش از وضو و غسل و بعد از آن، جلوی خروج خون را بگیرد.
- ۳- برای هر نماز یک وضو بگیرد.
- ۴- باید سه غسل کند در صورتی که بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد و بین نماز مغرب و عشاء نیز فاصله نیندازد، اما اگر فاصله بیندازد باید علاوه بر وضو، ۵ غسل هم انجام دهد.
- ۵- بهتر است اول وضو بگیرد.
- ۶- واجب است برای هر نماز پد بهداشتی را عوض کند.

\* نکته : اگر خانم مستحاضه وظایف نماز را صحیح انجام داده باشد، روزه او صحیح است و برای روزه تکلیف دیگری ندارد.

**سؤال :** زنی در یک ماه، سه روز خون دیده (البته سه ساعت قبل از تمام شدن کامل سه روز پاک شده است) و مجدداً دو روز خون دیده است. حکم این خون‌ها باتوجه به اینکه سه روز اول کامل نشده است، چیست؟

**جواب :** همه خون‌ها استحاضه است.

**سؤال :** حکم ترشحات زرد رنگ در یکی دو روز آخر حیض، که به تدریج خارج می‌شود چیست؟

**جواب :** ترشحات زرد رنگ اگر خون نباشند حکم حیض را نداشته و پاک هستند. اما اگر لکه‌های زرد رنگ، در واقع خون زرد رنگ باشند و از ده روز تجاوز نکند، همه آن لکه‌ها حیض هستند و اگر از ده روز تجاوز کنند باید به ۴ ملاک گفته شده در حکم خون بیشتر از ده روز رجوع کرد.

**سؤال :** آیا مستحاضه‌ای که خونش استمرار دارد می‌تواند بین نماز و اعمال استحاضه فاصله بیندازد؟

**جواب :** مستحاضه قلیله بعد از وضو و مستحاضه متوسطه و کثیره بعد از غسل و وضو باید فوراً مشغول نماز شوند.

**سؤال :** الف) اگر مستحاضه متوسطه برای نماز صبح غسل کند و بعد از نماز خونش قطع شود و دوباره قبل از نماز ظهر متوسطه گردد، آیا برای نماز ظهر و عصر باید غسل نماید؟

ب) اگر برای نماز ظهر و عصر غسل کند و بعد از نماز ظهرین خون قطع شده و دوباره قبل از مغرب متوسطه شود، وظیفه او برای نماز مغرب و عشاء چیست؟

**جواب :** در فرض سؤال باید مجدداً غسل نماید.

#### تبدیل استحاضه در بین نماز

**سؤال :** اگر در بین نماز، استحاضه از کمتر به بیشتر تبدیل شود، وظیفه او نسبت به همان نماز در وسعت وقت چیست؟

**جواب :** باید نماز را بشکند و بعد از انجام عمل بیشتر، نماز را دوباره بخواند.